



## فصل الخطاب

امام خمینی کہ درس آموختہ مکتب پیامبر اسلام (ص) و اہل بیت (ع) است، چہ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، و چہ پس از آن، قانون گرایبی را سرلوحہ حکومت داری و بہترین و مہم ترین ابزار کلیدی مبارزہ با فساد می دانست. بہویژہ اساس نظام جمہوری اسلامی را قانون گرایبی و قانون مداری دانستہ و ہمہ را بر عمل بہ آن سفارش می کرد. تجربہ زندگی اجتماعی-سیاسی امام خمینی او را بر این باور رساندہ بود کہ زندگی انسانی در جامعہ بی قانون و بدون نظم اجتماعی بسیار دشوار، بلکہ ناشدنی است. تبعیت نکردن از قوانین، سبب بروز ہرج و مرج و گسست بنیان های جامعہ خواهد شد.

لزوم شناخت و جریان اندیشہ امام خمینی - بخش پانزدہم: تبعیت از قانون

مجید انصاری | محمدرجائی نژاد | محسن ہاشمی | محمد مقدم

# بسم الله الرحمن الرحيم



## چراغ راه

نصیحت و وصیت من به گروه‌ها و گروهک‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید به شماها که خود را عالم و عاقل می‌دانید باید آموخته باشند که مسیر یک ملت فداکار رانمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازی‌های بی‌سر و پا و غیر حساب شده منحرف کرد، و هرگز هیچ حکومت و دولتی رانمی‌توان با این شیوه‌های غیر انسانی و غیر منطقی ساقط نمود، به ویژه ملتی مثل ایران را که از بچه‌های خردسالش تا پیرزن‌ها و پیرمردهای بزرگسالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جان‌فشانی و فداکاری می‌کنند. شماها که می‌دانید (و اگر ندانید بسیار ساده لوحانه فکر می‌کنید) که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است. و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانه شما و جنایاتی که با تحریک شمارخ داد آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید.

من وصیت خیر خواهانه در این آخر عمر به شما می‌کنم که اولاً با این ملت طاغوت زده رنج کشیده که پس از ۲۵۰۰ سال ستم‌شاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایت کارانی همچون رژیم پهلوی و جهان‌خواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستیز برخاسته‌اید. چطور وجدان یک انسان هر چه پلید باشد، راضی می‌شود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ آنها رحم نکند؟ من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بی‌فایده و غیر عاقلانه بردارید و گول جهان‌خواران را نخورید. و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدیک به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند از رحم‌الرحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان شاء الله می‌گذرند.

وصیتنامه امام خمینی، ص ۶۹



هفته نامه حریم امام

صاحب امتیاز:

آستان مقدس امام خمینی

مدیر مسئول:

علی جوادی راد

سر دبیر:

علی عباسی

اعضای تحریریه:

وهاب آریان

سید مهدی حسینی دورود

رشید داودی

محمد رجائی نژاد

مصطفی سلیمانی

سید محمود صادقی

طراح و صفحه‌آرا:

محسن عبداللہی

نشانی:

تهران حرم مطهر امام خمینی

چاپ:

موسسه فرهنگی هنری عروج/واژه پرداز اندیشه

تماس با نشریه:

۰۹۳۶۷۸۰۳۳۳۶

ایمیل:

harim.emam@yahoo.com



## قانون وسیله تحقق عدالت اجتماعی



محمد رجبی نژاد

### مقدمه

سامان و سازماندهی اجتماعی، و پیوند و هماهنگی انسانی جامعه بشری که بستر آسایش، امنیت، رشد و بالندگی است، بر پایه حق و حقوق انسانها استوار است. ثبات و اعتبار حقوق نیز به قانون و تبعیت از آن بستگی دارد. پس قوانین، نهادهای قانونگذار، مجریان قوانین و... همه ابزاری برای شکلگیری نظم و نظام اجتماعی و پاسداشت حقوق انسانها هستند. اگر سه عنصر تبیین و شفافیت قوانین، اجرای قوانین و نیز تساوی انسانها در برابر قانون را از ارکان قانونگرایی بدانیم، سابقه دینی و تاریخی آن به سدهها پیش برمیگردد و به درستی یکی از انگیزهها و آرمانهای پیامبران شناساندن و مرزبندی وظایف و حقوق انسانی بوده است؛ هم در حوزه زندگی فردی، و هم در زندگی اجتماعی.

امام خمینی که درس آموخته مکتب پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) است، چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، و چه پس از آن، قانونگرایی را سرلوحه حکومتها و بهترین و مهمترین ابزار کلیدی مبارزه با فساد می دانست. بهویژه اساس نظام جمهوری اسلامی را قانونگرایی و قانونمداری دانسته و همه را بر عمل به آن سفارش می کرد.

تجربه زندگی اجتماعی - سیاسی امام خمینی او را بر این باور رسانده بود که زندگی انسانی در جامعه بی قانون و بدون نظم اجتماعی بسیار دشوار، بلکه ناشدنی است. تبعیت نکردن از قوانین، سبب بروز هرج و مرج و گسست بنیانهای جامعه خواهد شد. از این رو در آغاز مبارزه بارها شاه و رژیم پهلوی را بر تبعیت از قانون سفارش کرده و به کنشهای بی قانونی آنها معترض بود.

امام خمینی شاید آشکارا و آکادمیک به تعریف و شرح مؤلفههای مفهومی قانون و قانونگرایی نپرداخته باشد،

اما با خوانش و کاوش در سیره نظری و عملی ایشان، می توان به دیدگاهشان دست یافت. ایشان برای تبیین قانون و قانونگرایی، از واژگان بسیاری بهره گرفته اند، و با توجه به آنها به راحتی می توان هم قانون را از دیدگاه ایشان تعریف کرد و هم به سیره عملی ایشان که تبعیت از قانون بود، پی برد.

در منظر ایشان معیار همه چیز قانون است و حرف آخر را در همه امور قانون می زند و جز با تحقق قانون، سعادت فرد و جامعه تأمین نمی شود. ایشان از قانون به عنوان یکی از ابزار دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی و فصل الخطاب تمامی منازعات افراد و گروهها یاد نموده و هیچ چیز و هیچ کس را برتر از آن نشمرده اند. تا آنجا که قانون را خط قرمز نظام و پشتوانه امنیت ملی و وحدت ملی و به طور کلی استقلال کشور می دانست.

امام خمینی بر همه ارکان قانونمندی و قانونگرایی تأکید داشت، از این رو همواره تصویب قوانین، اجرای صحیح آنها، برابری در قبال قوانین و احترام به نهادهای قانونگذار را گوشزد می کرد. بر این اساس قانون و تبعیت از قانون نزد ایشان معنای خاص و جایگاه ویژه ای پیدا می کند و می توان آن را از اصول اندیشههای امام خمینی دانست.

### مفهوم قانون

مجموعه دستورها و چارچوبهای اعلام شده برای اداره مطلوب جامعه را قانون گویند که به عنوان میانجی در پیوندهای اجتماعی بین مردم عمل می کند. قانون معرب کلمه یونانی «canon» است که به فرانسه «loi» و به انگلیسی «law» ترجمه می شود. به معنای اصل و برهان نیز آمده است. (دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۳۴۱)

همچنین آیین، دستور، نظام، قاعده و اندازه و به معنای مجموعه مقررات و آئین نامههای سیاسی، مدنی، جزایی، اقتصادی و بازرگانی نیز قانون می گویند. (اتابکی، ج ۲، ص ۲۰۷۱) قانون در اصطلاح حقوقی، قاعده حقوقی عام یا خاصی است که قوه مقننه وضع می کند. (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ج ۱، ص ۵۱۵)

(۵۴۳) این اصطلاح در معنای عام شامل مصوبات مجلس، تصویب نامهها و بخش نامههای اداری است که شامل مقررات نیز می شود و در معنای خاص به قواعدی گفته می شود که با تشریفات ویژه در مجالس قانونگذاری تصویب می شود، یا از طریق همه پرسی به طور مستقیم به تصویب مردم می رسد. (همان، ص ۱۲۰)

در دیدگاه امام خمینی قانون، وسیله برقراری نظم اجتماعی و بسط عدالت به منظور پرورش و تهذیب و تزکیه انسان است. ایشان معتقد بود اسلام به قانون نظر آلی (ابزاری) دارد، یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می داند، و برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۱۴؛ ولایت فقیه، ص ۶۲)

با این نگاه، آنچه در این یادداشت مدنظر است، مجموعه قوانین و مقررات برای اداره جامعه یا همان قانون حکومتداری است.

### اهمیت و ضرورت قانون و تبعیت از آن

نگاه امام خمینی به قانون و قانونگرایی و تبعیت از قانون از مهمترین وجوه اندیشه سیاسی ایشان است. در باور امام خمینی معیار همه چیز قانون است و حرف آخر را در همه امور قانون می زند. همه در برابر قانون برابرند؛ و جز با تحقق قانون سعادت فرد و جامعه تأمین نمی شود. اسلام دین قانون است و حکومت در اسلام حکومت قانون؛ از این رو قانون در اندیشه سیاسی امام خمینی والاترین جایگاه را دارد.

امام خمینی بر اساس قرآن کریم (بقره، ۲۱۳؛ نساء، ۱۶۵) معتقد است تمام انبیاء (ع) از آدم تا خاتم (ص) برای برقرار کردن اجرای قانون آمده اند و همه انبیاء (ع) و اولیا در برابر قانون خاضع بوده اند. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۱۴) ایشان از گذشته بر حکومت قانونی و حاکمیت قانون عدل در جامعه تأکید ورزیده (همان، ج ۴، ۴۰۶ و ۴۰۷) و پس از پیروزی انقلاب نیز تأکید

می کرد که همه افراد باید خود را با قانون تطبیق دهند و در برابر آن تسلیم باشند. (همان، ج ۱۴، ص ۴۱۵) ایشان وجود قانون را برای تدبیر و اداره امور کشور ضروری دانسته و گفتار و عمل در مرز قانون را موجب رفع اختلافها بر شمرده است؛ (همان، ص ۳۷۸) زیرا قانون و قانون گذاری را اصولاً مقدمه‌ای برای اجرای عدالت و پرهیز از ظلم و تبعیض می دانست. (همان، ج ۹، ص ۴۲۵) ضرورت حاکمیت قانون در جامعه انسانی از نظر ایشان به اندازه‌ای مهم و اساسی است که ایشان معتقد است اقوام وحشی نیز قانون دارند و پایبند همان قانون عقب مانده خود هستند. (همان، ج ۳، ص ۴۰۴) از سوی دیگر، از نگاه امام خمینی حکومت اسلامی بر اساس قانون الهی است که مبتنی بر عدالت است و در آن فرقی میان افراد نیست و همگان در برابر قانون مساوی اند. (همان، ج ۹، ص ۴۲۵) ایشان قانون را در جامعه، تأمین کننده آزادی منطقی در چارچوب احکام الهی می دانست. (همان، ج ۸، ص ۲۸۳) که باید در جامعه عدالت گسترده کند. (همان، ج ۱۱، ص ۴۶۷) و افراد بشر را از اسارت برهاند و به آنان حق دهد که آزادانه زندگی کنند و همچنین در خدمت اصلاح و رشد بشر باشد. (همان، ج ۴، ص ۴۰۶ و ۴۰۷) ایشان یکی از اهداف قانون را رفع تبعیض در جامعه اسلامی می دانست و تأکید می کرد شخصی که حاکم جامعه اسلامی و مجری قانون است، در اجرای قانون نباید هیچ گونه تبعیضی میان افراد قائل شود. (ولایت فقیه، ص ۱۳۱)

تأکیدهای فراوان امام خمینی بر پیروی از قانون برای رسیدن به اهدافی چون مشخص شدن اندازه اختیارات و وظایف مردم و مسئولان از طریق منطبق کردن خود با قانون، از میان رفتن اختلافها، اصلاح امور و جلوگیری از وقوع تدریجی انحرافها بود. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۱۴ - ۴۱۵ و ۲۲۹؛ ج ۱۱، ص ۶۸؛ ج ۱۸، ص ۴۳۱ - ۴۳۲)

### اقسام قانون

قانون و قانون گرایی مبتنی بر نظام فکری و بینش الهی و برگرفته از مبانی معرفت شناسی و انسان شناسی دینی امام خمینی بوده است. از این رو حضرت امام بر اساس مبانی فکری و معرفتی خویش دیدگاه ویژه‌ای به قانون و قانون گرایی داشت. از منظر ایشان انسان موجودی است که دارای دو بعد مادی و معنوی است و با توجه به حقیقت وجودی انسان که روح اوست، سعادت حقیقی او عبارت است از رسیدن به قرب الهی و نیل به این هدف، در صورتی امکان پذیر است که انسان تحت تربیت و قانون کسی قرار بگیرد که او به نیازهای مادی و معنوی و جسمی و روحی او آگاهی کامل دارد و او را به سعادت مادی و معنوی خویش رهنمون سازد و او ذات باری تعالی است؛ بر این اساس قانون و قانون گرایی، معنایی خاص و جایگاه ویژه‌ای پیدا می کند. چکیده آن که، به باور امام خمینی قانون کامل و جامع، قانونی است که هم زمان به جنبه مادی و معنوی، جسمی و روحی انسان توجه کند، و قوانین اسلام دارای چنین جامعیتی است که هر کدام در جایگاه خودش این جامعیت را تکمیل می کنند.

از مجموع سخنان امام خمینی درباره قانون بر می آید که ایشان قانون را نظمی کلی می داند که بر مصادیق متعدد قابل انطباق است (حیدری، ص ۵۷). در یک نظر کلی، ایشان قانون را به دو قسم تقسیم کرده است: ۱. قانون تکوینی الهی یا همان قانون هستی و

قانون خلقت (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۸)؛ ۲. قانون تشریحی. قانون تشریحی نیز خود به قانون تشریحی الهی و موضوعه (عرفی) تقسیم می شود. بدین صورت قانون تشریحی الهی شامل احکام واجب، حرام، مستحب، مکروه، مباح یا همان شریعت (حق پناه، ص ۲۵۹) است و قانون موضوعه (عرفی) شامل قوانین عادی و مقررات است. (پاشا صالح، ص ۲۷ و ۳۳؛ حق پناه، ص ۲۵۹)

امام خمینی منبع تشریح قوانین را خداوند می دانست و از آن با عنوان «یگانه قدرت مقننه» یاد می کرد؛ (ولایت فقیه، ص ۴۴) به عبارتی قانون گذاری برای بشر، تنها در اختیار خداوند است؛ همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند امر کرده است؛ بر این اساس سعادت و کمال انسان و جوامع، تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که انبیا(ع) به بشر ابلاغ کرده اند. (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۸) این دیدگاه برخاسته از آموزه‌های قرآن کریم است که خداوند تعالی را آگاه به تمام کارها (نور، ۳۵ و ۶۴) دارای احاطه و اشراف بر همه امور (نساء، ۱۲۶؛ طلاق، ۱۲)، غنی و بی نیاز (فاطر، ۱۵) و دارای رحمتی فراگیر (اعراف، ۱۵۶) می داند.

امام خمینی با عبارتهایی چون قانون الهی (همان، ج ۶، ص ۲۷۳ - ۲۷۴) قانون شرع مقدس (همان، ج ۴، ص ۲۴۶؛ ج ۲۰، ص ۴۶۴) و احکام و قوانین اسلام (همان، ج ۸، ص ۲۸۱؛ ولایت فقیه، ص ۲۸ - ۲۹) به قانون در تشریح الهی اشاره کرده است. ایشان در سخنان خود شریعت را قانون می دانست و معتقد بود حاکمیت اسلام بر اساس قانون الهی، قانون قرآن و سنت است. (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۲) در این نگاه اطاعت کردن از رسول اکرم (ص) امیر المؤمنین علی (ع)

به باور امام خمینی حکومت اسلامی، حکومت قانون است و به همین دلیل، حاکم اسلامی که مجری احکام و قوانین الهی است، باید متصف به عدالت و عالم به قانون باشد. (ولایت فقیه، ص ۴۴ - ۴۵) ایشان رکن اصلی حاکمیت قانون و مؤثر بودن آن در جامعه را برابری همه افراد جامعه در برابر تمامی قوانین می دانست (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۶۷) در این نگاه حتی جانشین رسول خدا (ص) و بلکه خود پیامبر (ص) نیز تابع قانون اند. (همان، ج ۹، ص ۴۲۴ - ۴۲۶؛ ج ۱۴، ص ۲۲۱) چنان که اگر کسی از مردم از آن سرپیچی کند، مجرم و قابل تعقیب خواهد بود (همان، ج ۱۴، ص ۲۲۱) ایشان بر ضرورت پایبندی به قوانین و مقررات تأکید می کرد؛ هر چند بر خلاف رأی فرد باشد. (همان، ج ۱۴، ص ۳۷۷) بدین معنا که زمامدار جامعه اسلامی که مجری قانون است، باید تمام افراد جامعه خود را در برابر قانون مساوی بداند و هیچ گونه تبعیضی میان خود و افرادش با دیگران قائل نشود

و همچنین پیروی از قوانین حکومت اسلامی بر اساس حکم خدا واجب شده است. (همان، ج ۸، ص ۲۸۱) قانون عادی و مقررات یا همان قوانین موضوعه (همان، ج ۱، ص ۸۰) و بشری، قانونی است که با رعایت تشریفات گفته شده در قانون اساسی، به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان برسد و از نگاه امام خمینی این قوانین بشری قابل اصلاح اند. (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۰) این قانون برای تأمین نظم و امنیت و نیز رشد و توسعه جامعه اسلامی لازم است و به مقتضای زمان و مکان، وضع و اجرا می شود. به باور ایشان مجلس، مرکز ثقل همه قوانین و قدرت جامعه (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۷) و در رأس تمام نهادها است. (همان، ج ۱۷، ص ۲۴۶)

### برابری در برابر قانون

به باور امام خمینی حکومت اسلامی، حکومت قانون است و به همین دلیل، حاکم اسلامی که مجری احکام و قوانین الهی است، باید متصف به عدالت و عالم به قانون باشد. (ولایت فقیه، ص ۴۴ - ۴۵) ایشان رکن اصلی حاکمیت قانون و مؤثر بودن آن در جامعه را برابری همه افراد جامعه در برابر تمامی قوانین می دانست (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۶۷) در این نگاه حتی جانشین رسول خدا (ص) و بلکه خود پیامبر (ص) نیز تابع قانون اند. (همان، ج ۹، ص ۴۲۴ - ۴۲۶؛ ج ۱۴، ص ۲۲۱) چنان که اگر کسی از مردم از آن سرپیچی کند، مجرم و قابل تعقیب خواهد بود (همان، ج ۱۴، ص ۲۲۱) ایشان بر ضرورت پایبندی به قوانین و مقررات تأکید می کرد؛ هر چند بر خلاف رأی فرد باشد. (همان، ج ۱۴، ص ۳۷۷) بدین معنا که زمامدار جامعه اسلامی که مجری قانون است، باید تمام افراد جامعه خود را در برابر قانون مساوی بداند و هیچ گونه تبعیضی میان خود و افرادش با دیگران قائل نشود. (ولایت فقیه، ص ۱۳۱) امام خمینی دستگاه قضا را نیز موظف می دانست حتی ادعای پایین ترین افراد علیه شخص اول کشور را بشنود و وی را احضار و در صورت مجرم بودن، حکم خدا را بدون ذره‌ای چشم پوشی اجرا کند. (صحیفه، ج ۴، ص ۴۱۸) و ماجرای فرد یهودی را که مدعی بود زره وی نزد امیر المؤمنین (ع) است، نمونه کامل برابری حاکم و مردم در برابر قانون شمرده است. (همان، ج ۴، ص ۱۹۸)

از سوی دیگر، به دلیل ماهیت مردمی و اسلامی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی تمکین نکردن در برابر قانون را که به اخلاق در تحقق کامل اسلام در کشور می انجامد، موجب عقاب الهی می دانست (همان، ج ۱۶، ص ۲۷۹) و باور داشت قانون شکنان از چارچوب نظام و اسلام خارج اند (همان، ج ۱۴، ص ۳۷۸ - ۳۷۹) ایشان مسئولان دولتی نظام را نیز به استفاده حداکثری از فرصت مسئولیتی که دارند به نفع اسلام و جمهوری اسلامی توصیه می کرد و معتقد بود مبنای عمل آنان باید قوانین مجلس باشد. (همان، ج ۱۷، ص ۲۱۵) ایشان باور داشت در مان نابسامانی های کشور در آن است که افراد و حتی رئیس جمهور (همان، ج ۱۳، ص ۶۲) و وظایفشان را بر مبنای قانون انجام دهند. (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۲)

امام خمینی بی توجهی مردم به قانون را بی توجهی به اسلام می دانست (همان، ج ۱۱، ص ۴۹) و آنان را به همکاری با نهادهایی که بر مبنای قانون عمل می کنند توصیه می کرد. (همان، ج ۱۴، ص ۱۴۰ - ۱۴۱) ایشان با اعتقاد به همگانی بودن قانون و لزوم احترام مردم به



آن، (همان، ج ۱۴، ص ۴۱۴) بر این باور بود که مردم حتی در انتخابات هم باید انتخاب خود را بر مبنای موازین شرعی و قانون ترسیم کنند (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۱) و به کسی رأی دهند که به قوانین اسلام وفادار باشد. (همان، ج ۱۲، ص ۱۷۸) تخلف از قانون، هر چند قوانین راهنمایی و رانندگی، از نظر ایشان جایز نبود. (استفتانات، ج ۳، ص ۵۴۲) ایشان برای انتقال اهمیت موضوع قانون و قانون مداری در سطح جامعه، سال ۱۳۶۰ را که اوج جنگ و فعالیت مخالفان انقلاب و منافقان داخلی بود، به نام سال «قانون» نام گذاری کرد و همه را به اطاعت از قانون (همان، ج ۱۴، ص ۴۵۳) و حمایت از آن فراخواند. (همان، ج ۱۵، ص ۴۴۹ - ۴۵۰) همه اینها نشان از اهمیت تبعیت از قانون و برابری همه در برابر قانون است.

### تبعیت از قانون در سیره امام خمینی

امام خمینی به تبعیت از مشی و روش پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) خود اولین کسی بود که عامل به قانون بود و به دیگران هم گوشزد می کرد: «شرف و ارزش انسان ها در تبعیت از قانون است.» (همان، ص ۲۲۱) از دیدگاه ایشان میزان همه چیز قانون است و جز با تحقق قانون، سعادت فرد و جامعه تأمین نمی شود و همگان باید از قانون پیروی کنند و اصلاح امور بسته به پیروی از قانون است. (ولایت فقیه، همان، ص ۳۵) بارها سفارش می کرد: حکومت اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکمفرمایی دارد (ولایت فقیه، ص ۳۴) و همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید؛ ولو خلاف رأی شما باشد... من هم ممکن است با بسیاری از چیزها، من که یک طلبه هستم مخالف باشم، لکن وقتی قانون شد... خوب ما هم می پذیریم. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۷۷) قانون، توجه به تمام جامعه کرده است... اگر قانون بنا باشد که خودش را تطبیق بدهد به یک گروه... تطبیق بدهد به یک شخص، این قانون نیست. قانون در رأس واقع شده است و همه افراد هر کشوری باید خودشان را با آن قانون تطبیق بدهند... آن وقت است که کشور، کشور قانون می شود. (همان، ص ۴۱۵) ما حاکمی می خواهیم که برای قانون، متواضع باشد، یعنی سر پیش قانون فرود بیاورد، قانون هر چه گفت قبول بکند؛ نه این که قانون برای مردم عادی باشد، و قدرت مندها از قانون مستثنی باشند. (همان، ج ۴، ص ۳۲۹) در عبارات یاد شده در بالا، حضرت امام به طور آشکارا بر ضرورت حکومت توسط قانون کلی که همگی از آن پیروی نمایند و بر همگان به طور یکسان حاکم باشد، تأکید می کرد.

امام خمینی نه تنها هیچ گاه قوانین کشور را زیر پا نگذاشت؛ بلکه قانون گریزی را عملی حرام و خلاف شرع می دانست. دختر ایشان، خانم زهرا مصطفوی، در این باره می گوید: «امام خیلی مقید به قانون بودند و احترام زیادی به قانون می گذاشتند. ایشان رعایت قانون را یک تکلیف شرعی می دانستند؛ یعنی حتی مثلاً عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی را خلاف شرع می دانستند و به عقیده ایشان، عبور ماشین از ورود ممنوع و یا سرعت بیش از حد در رانندگی، کاری حرام و خلاف شرع است.» (برداشت های از سیره امام خمینی، ج ۴، ص ۲۹۰)

آیت الله شهید سید مصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی نقل می کند: «در شهر همدان، امام هنگام عبور از یکی از خیابان ها، مسافت زیادی را طی می کردند تا

و غیر اسلامی نیز تأکید داشت و نادیده گرفتن آنها را هم مجاز نمی دانست؛ و نادیده گرفتن آنها و تعدی به حقوق آنان را مایه مخدوش شدن چهره ایرانیان می شمرد که امری نادرست و حرام است؛ و تأکید می کرد این تذکر به دیگران نیز رسانده شود. (همان، ص ۲۱۹ - ۲۲۰) یکی از شاگردان حضرت امام می گوید: من در ایام اقامت امام در نجف اشرف، به دلیل ممنوع الخروج بودنم، به صورت قاچاق به نجف رفتم و خدمت ایشان رسیدم. ظهر بود، در اتاق را باز کردم و سلام کردم. فرمود: علیکم السلام. شما هم قاچاق آمدید؟ گفتم: بله. بعد امام فرمود: «دیگر به شکل قاچاق نیاید. هر وقت خواستید بیاید، با گذرنامه باشد» و این اصرار امام برای آن بود که مرا به رعایت قانون و آداب سازد. (پایه پای آفتاب، ج ۴، ص ۱۵۷)

امام خمینی در پاریس، همه را به رعایت قوانین کشور فرانسه سفارش کرده بود. با این که سر بریدن یک مرغ در آن خانه باغ هیچ مشکلی را ایجاد نمی کرد و هیچ کس هم نمی فهمید؛ ولی ایشان اجازه نمی داد، و می فرمود: ممنوع است، این کار را نکنید. نقل است روز عاشورای ۱۳۵۷ در پاریس وقتی آقای مهدی عراقی برای تهیه قیمة پلو گوسفندی در باغ ذبح می کند و امام خمینی متوجه می شود، ایشان را توبیخ کرده و می گوید: حاج مهدی عراقی در پاریس از این کارهای بازاری نکنید، شما نمی دانید در اینجا ذبح گوسفند در منزل قدغن و قانوناً ممنوع است؟! (خاطرات حجت الاسلام والمسلمین فردوسی پور، ص ۲۶۰) حتی یکی از همراهان حضرت امام می گوید ایشان از آن غذا میل نکرده و فرمود: چون تخلف از قانون حکومت اینجا شده است، من از این گوشت نمی خورم. (برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج ۴، ص ۲۹۱)

### نتیجه

آنچه از سیره نظری و عملی امام خمینی برداشت می شود، نشانگر تقید و تعهد ایشان به قانون است. پیروی از قانون را واجب و موجب پیشرفت زندگی و جامعه، و بی قانونی را حرام و سبب همه مفسدات اجتماعی می دانست. با این نگاه ایشان، قانون و قانون گرایی و التزام عملی به قانون از اصول اندیشه های امام خمینی محسوب می شود. چرا که معیار همه چیز را قانون می دانست و معتقد بود حرف آخر را در همه امور قانون می زند و همه در برابر قانون برابند و جز با تحقق قانون سعادت فرد و جامعه تأمین نمی شود و اسلام دین قانون است و حکومت در اسلام حکومت قانون است.

از تقاطع عابر پیاده عبور کنند. ایشان حتی تا این اندازه نیز قوانین را رعایت می کردند». (برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج ۴، ص ۲۹۱) حاج سید احمد آقا، فرزند دیگرشان می فرمود: «روزی حضرت امام به من فرمود: کتاب کشف اسرار مرا از کتابخانه نزدیک جماران، تهیه کن و برایشم بیاور. به ایشان گفتم: اگر شما بفرمایید چشم، کتاب را می گیرم و می آورم، اما قانون این کتابخانه این است که کتاب، دست کسی برای بیرون بردن نمی دهد؛ بلکه کتاب را تنها همانجا باید مطالعه کرد. امام فرمود: پس اگر قانونش این است، شما نمی خواهید از آن جا کتاب بیاورید. به این ترتیب، من کتاب کشف اسرار را از جای دیگری تهیه کردم و به ایشان دادم.» (برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج ۴، ص ۲۹۲) ایشان نه تنها بر پای بندی به قانون در داخل کشور سفارش می کرد و تخطی از آن را حرام می دانست؛ بلکه بر رعایت چارچوب های قانونی در سایر کشورهای غربی

از نگاه امام خمینی حکومت اسلامی بر اساس قانون الهی است که مبتنی بر عدالت است و در آن فرقی میان افراد نیست و همگان در برابر قانون مساوی اند. (همان، ج ۹، ص ۴۲۵) ایشان قانون را در جامعه، تأمین کننده آزادی منطقی در چارچوب احکام الهی می دانست. (همان، ج ۸، ص ۲۸۳) که باید در جامعه عدالت گستری کند. (همان، ج ۱۱، ص ۴۶۷) و افراد بشر را از اسارت برهاند و به آنان حق دهد که آزادانه زندگی کنند و همچنین در خدمت اصلاح و رشد بشر باشد. (همان، ج ۴، ص ۴۰۶ و ۴۰۷) ایشان یکی از اهداف قانون را رفع تبعیض در جامعه اسلامی می دانست و تأکید می کرد شخصی که حاکم جامعه اسلامی و مجری قانون است، در اجرای قانون نباید هیچ گونه تبعیضی میان افراد قائل شود. (ولایت فقیه، ص ۱۳۱)

## امام خمینی فلسفه تشکیل حکومت را اجرای قانون می‌داند

❁ قانون و قانون‌گرایی، مینا و زیر بنای اندیشه عرفانی، سیاسی و اجتماعی امام خمینی است  
❁ فضای احترام به قانون و حاکمیت به قانون در کشور ما متأسفانه متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران و آرمانها و اهداف امام خمینی نیست



حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر اجرایی مجمع روحانیون مبارز است. وی همچنین نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و معاون امور مجلس و معاون حقوقی رئیس‌جمهور ایران نیز بوده است او در گفت‌وگو با حریم‌امام ضمن برشمردن تأثیر بی‌قانونی و عدم تبعیت از قانون در تولید و تکثیر فساد، از اهمیت قانون و تبعیت از آن در منظر حضرت امام سخن گفت.

از این منظر طبعاً ذات اقدس الهی، یگانه منبع و مرجع صلاحیت‌دار برای وضع این قوانین است، زیرا او انسان را آفریده و او به نیازهای انسان واقف است. به همین سبب نگاه امام به قانون و دین و به خصوص دین مقدس اسلام این بود که دین مجموعه‌ای کامل از قوانینی است که در نهایت تضمین‌کننده سعادت ابدی دنیایی و اخروی انسان است. ولی چون انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی می‌دانند طبعاً قوانین حاکم و ناظر بر زندگی بشر و احاد انسان‌ها قوانینی شامل جنبه‌های معنوی و روحی انسان، تأمین آنها و قوانینی برای زندگی دنیایی و مادی در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و همه عرصه‌های حیات اجتماعی انسان در حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و روابط بین‌الملل می‌شود. خلاصه در یک جمله می‌توان گفت هیچ عرصه و ساحتی در حیات کلی انسان نیست الا اینکه در حوزه قانونگذاری الهی قرار می‌گیرد و مجموعه قوانین الهی در بردارنده هدف‌نهایی که تضمین‌کننده سعادت انسان است خواهد بود.

در این منظومه فکری و بینشی، امام به مسئله قانون توجه فوق‌العاده داشتند و دارند و در حقیقت با توجه به لحاظ نظری و فکری و سیر عملی گفتار و کردار امام می‌توان گفت: امام بهترین و والاترین نمونه اعتقاد قلبی و التزام عملی به قانون و قانونمداری بودند و می‌بایست امام را مظهر عمل به قانون و التزام و اعتقاد به قانون برشمرد که ما می‌توانیم این مسئله را در سراسر زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی امام و در همه عرصه‌های زندگی پر برکت ایشان مشاهده کنیم.

❁ **حضرت امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی در همه دوران حیات فکری و سیاسی خود بر قانون‌گرایی اصرار داشته و همواره در**

قانون وسیله‌ای برای برقراری نظم اجتماعی، گسترش عدالت و ابزاری برای پرورش و تزکیه و تهذیب و تعالی انسان تلقی می‌شود. در حقیقت در منظومه فکری امام، قانون تأمین‌کننده و تحقق‌بخش سعادت انسان و ابزاری برای رسیدن به آن منزلگاه نهایی است که قرب الی‌الله و «قاب قوسین» است. امام در جمله‌ای که در صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۱۴ آمده تعریفی از قانون را ارائه می‌دهند به این مضمون که: «قانون توجه به تمام جامعه کرده است. قانون برای تهذیب همه ملت است و برای آرامش خاطر همه ملت است و برای مصالح همه ملت است، باید محترم شمرده بشود.»

با این نگاهی که امام به قانون دارند می‌توان گفت قانون و قانون‌گرایی، مینا و زیر بنای اندیشه عرفانی، سیاسی و اجتماعی امام خمینی است و امام از این جایگاه و منظر سلسله‌وار به نتایجی رسیدند که تأثیر شگرفی در زندگی خود ایشان و در اقدامات مختلف عرصه حیات علمی و سیاسی اجتماعی ایشان داشته است و آثار شگرف آن در قالب تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران و شکل‌دهی انقلاب و تأسیس حکومت تبلور پیدا کرد. امام در بینش انسان‌شناسی و خداشناسی خودشان با توجه به همان نکته‌ای که عرض کردم معتقد بودند که خداوند علیم، قدیر، حکیم، رحمان و رحیم برای اینکه فلسفه خلقت انسان تحقق پیدا کند طبعاً ابزار مناسب و لازم را برای دستیابی انسان به آن جایگاه در اختیار او قرار داده است که در سرشت و خلقت انسان به عنوان ابزار تکوینی است و مسئله عقل و اراده و علم و اختیار ابزار حرکت انسان در این مسیر طولانی و متعالی است و قوانین و باید‌ها و نبایدها و ارائه طریق در قالب شریعت الهی ابزارهای تشریحی و قانونگذاری است که خداوند برای انسان وضع کرده است.

❁ **بحث ما درباره تبعیت از قانون از منظر حضرت امام است. ابتدا جایگاه قانون‌گرایی و قانون‌مداری در گفتار و اندیشه حضرت امام را تشریح فرمایید.**

از خداوند برای روح بلند آن پیشوای بزرگ و مصلح بی‌نظیر طلب علو درجات دارم و امیدوار هستم اهداف و آرمان‌های والای آن امام بزرگوار هر روز جامه تحقق عمل بیشتر و بهتری ببوشد و آرزوهایی که امام برای سعادت و سربلندی ملت ایران و ملت‌های مسلمان داشتند تحقق پیدا کند. موضوع قانون و جایگاه و نقش قانون در اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) جایگاه مهمی است که طبعاً پرداختن به همه ابعاد آن در یک مصاحبه و گفتگو ممکن نیست. اما من سعی خواهم کرد در محدوده این مصاحبه به اهم مطالب مرتبط بپردازم.

اولین نکته آن است که در نظام فکری و فلسفی و بینشی و الهی امام خمینی در موضوع خداشناسی و جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، قانون جایگاه برجسته و ویژه‌ای دارد. نگاه امام خمینی به انسان، نگاه ویژه‌ای است و انسان کامل را مظهر اسم اعظم الهی که جامع جمیع اسماء و صفات است می‌دانند که در دامنه هستی گسترده شده و به آن وجود بخشیده است. امام انسان را موجودی دارای دو بعد مادی و معنوی می‌دانند که حقیقت وجودی خاصی دارد. حقیقت وجودی انسان و سعادت حقیقی او رسیدن به مقام قرب الهی و لقاء و ملاقات حضرت حق تعالی است. طبعاً برای رسیدن به این جایگاه متعالی که سعادت انسان است قانون معنای خاص و کارکرد بسیار ویژه‌ای در نظام فکری حضرت امام خمینی پیدا می‌کند. به این معنا که امام قانون را ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به این مقصد متعالی می‌دانند و چون زندگی انسان به عنوان یک موجود اجتماعی زندگی جمعی است و به اصطلاح انسان، مدنی بالطبع است،

**بیاناتشان تأکید فراوانی بر قانون‌گرایی و لزوم گردن نهادن به الزامات قانونی داشته‌اند. به نظر جنابعالی علت تأکید همیشگی امام بر ارکان قانون و اصل مساوات و برابری همگان در برابر قانون چیست؟**

از دیدگاه فقهی امام خمینی (ره) ضرورت اجرای احکام شرع همان طور که تشکیل حکومت اسلامی را در زمان رسول اکرم (ص) ایجاب می‌نموده، دلیلی است بر لزوم ایجاد حکومت اسلامی و تشکیل آن در عصر حاضر. ضرورت اجرای احکام، که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست؛ و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد؛ زیرا اجرای قوانین سیاسی اجتماعی حاکم بر زندگی بشر بدون تشکیل حکومت غیر ممکن است. بنابراین اگر امام به مسئله عینیت دین و سیاست رسیدند، اگر به مسئله تشکیل حکومت اسلامی رسیدند، اگر به مسئله ولایت فقیه رسیدند از همین جایگاه بوده است. در واقع امام ولایت حکومت اسلامی یا ولایت فقیه را همان حاکمیت قانون بر جامعه می‌دانستند و می‌دانند و از این حیث می‌فرمایند: «حکومت در اسلام به معنای تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکمفرمایی می‌کند. برای اجرای قانون حکومت لازم است.» در کتاب ولایت فقیه و جاهای مختلف به عبارات متفاوتی روی این نکته تأکید کردند و در حقیقت قانون و حکومت را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند.

**جایگاه تشکیل حکومت در نگاه و اندیشه امام خمینی (س) چیست؟**

امام می‌فرمایند: حکومت اسلامی حکومت قانون است، نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم و ولایت فقیه در حقیقت ولایت فقه و قانون است. این جمله از امام در جاهای مختلف آمده است: «شرف و ارزش انسان‌ها در تبعیت از قانون است.» این نکته خیلی جالب است. امام تقوا را که یگانه ملاک ارزش‌گذاری قرآن برای طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری انسان‌هاست می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» صرف‌تقوا است که شاخص در جهندی کمال انسان است، اما امام می‌فرماید: «شرف و ارزش انسان‌ها در تبعیت از قانون است که همان تقواست و متخلف از قانون، مجرم و قابل تعقیب است.» این عبارت در صحیفه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۱ آمده است. امام راحل می‌فرمایند: «ملاک کرامت انسانی تقواست.» تقوا یعنی رعایت دقیق قانون به معنای عام کلمه. قانون یعنی قوانین الهی و قوانین موضوعه‌ای که برای سعادت بشر با فرآیند پیش‌بینی شده در نظام اسلامی وضع می‌شود. مراتب تقوا نیز به میزان پایبندی به قوانین الهی است.

از این رهگذر می‌توان گفت جامعه متقین و تقواییان از دیدگاه امام جامعه قانون‌گرا و جامعه‌ای است که تنها ملاک همه امور، اجرای قانون عادلانه و بدون تبعیض در آن باشد. امروزه وقتی صحبت از یک فرد باتقوا می‌کنیم نوعاً به ذهن، تقوای ذهنی و عرفان ویژه‌ای می‌رسد و کمتر به این نکته کلیدی توجه می‌کنیم که امکان دستیابی به تقوای واقعی جز با اجرای دقیق و مو به مو و بدون تناظر از قانون وجود ندارد چه برای فرد و چه برای جامعه. جامعه متقین جامعه قانونی است و خود امام مصداق بارز این مسئله هستند که سراسر زندگی ایشان تحت فرمان دقیق قوانین الهی بود. یکی از مهمترین قوانین حاکم بر زندگی حضرت امام قانون نظم بوده است. نظم و حرکت بر مدار نظم همواره از قوانین حاکم بر زندگی امام راحل بوده است. با این نگاه باید در پیش خودمان نسبت به اهمیت قانون و نقش قانون در سعادت انسان و کمال انسان و کمال جامعه انسانی تجدینظر کنیم.

روشن است وقتی که امام قانون را ابزار سعادت بشر و سعادت جامعه انسانی می‌دانند همواره بر این موضوع تأکید قوی و عملی دارند. هم خودشان پایبند بودند و

هم دیگران را به قانون فرا می‌خواندند و اساساً از ابتدای نهضت که شما بررسی کنید می‌بینید امام در مبارزه با رژیم شاه همه اعتراض‌شان به این جهت بود که چرا حکومت شاه قانون‌شکنی می‌کند و بی‌قانون است و به قانون اساسی مشروطه و خصوصاً به متمم قانون اساسی بی‌توجه است. شما نامه‌هایی که حضرت امام به شاه نوشته‌اند و سخنرانی‌هایی که داشتند و پیغام‌هایی که برای شاه فرستادند را بررسی کنید ملاحظه می‌کنید امام همواره نصیحت شاه را از منظر قانون‌گرایی شروع کردند و اگر نقدی به حکومت شاه داشتند از جنبه قانون‌شکنی و تصمیمات فردی و استبدادی شاه بوده است. امام راحل عدم پایبندی شاه و دولت و نمایندگان مجلس رژیم گذشته به قانون را سرچشمه همه مصیبت‌های کشور معرفی کردند. امام خیلی تلاش کردند که حکومت شاه به قانون برگردد. از همان سال ۱۳۴۱ در مسئله قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و در سایر امورات تلاش امام بر این راستا بود که حکومت شاه حکومت قانونی باشد و در وضع قوانین، بایدها و نبایدها قانون اساسی گذشته و متمم قانون اساسی و قانون اسلام حاکمیت پیدا کند.

اما در این مسئله استدلال امام بر این بود که همگان در برابر قانون یکسان هستند. در یک جمله‌ای امام می‌فرمایند: «حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام، یا فرمان خدا، بر همه افراد در دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد، از رسول اکرم (ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد، تا ابد تابع قانون هستند: همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است.» بنابراین ایشان قبل از انقلاب بر اجرای قانون تکیه داشتند و بعد از انقلاب هم از ابتدا مسئله قانون را در قانون توجه خود قرار دادند و هم در ایجاد ساختارهای سیاسی و حکومتی، برخلاف دیگر انقلاب‌ها که رهبران آن بر اساس تمایلات شخصی خود نظامی را ایجاد می‌کنند و نوعاً بدون رأی مردم و با کودتا و شبه کودتا روی کار می‌آیند. حتی در نظام‌هایی که انقلاب کردند رهبران آن انقلاب‌ها مثل

**امام در جایگاه بالاترین مسئول نظام، قانونمندترین و قانون‌گرایترین فرد بودند و تعهد عملی خودشان به قانون در اوج بود. امام رعایت قوانین حکومت را حتی برای کشورهای دیگر هم ضروری می‌دانستند و چون نقض قانون موجب هرج و مرج می‌شد آن را قبول نداشتند. مرحوم حاج مصطفی فرزندان امام در خاطر ایشان نقل می‌کنند وقتی امام در همدان بودند می‌بایست از خیابانی که در وسط آن چمن کاری شده بود عبور می‌کردند؛ امام برای آنکه پاروی چمن‌های کاشته شده نگذارند، مسیر طولانی را طی می‌کردند تا پاروی چمن گذاشته نشود. دانشجویان خارج از کشور استدلال می‌کردند که حکومت‌های غربی و آمریکا از حق ما خورده‌اند و ما می‌توانیم هزینه‌های عمومی مثل تلفن و... را پرداخت نکنیم یا از اموال عمومی برداشت کنیم. امام همه این کارها را غیر مشروع معرفی کردند**

انقلاب روسیه و نقشی که استالین و دیگران در شوروی داشتند نوعاً کمتر به مسئله نهاد قانون و قانون‌گذاری در ابتدای انقلاب توجه می‌کردند یا در انقلاب حرکت‌های اجتماعی خود.

اما امام از همان ابتدا علیرغم محبوبیتی که داشتند و تمکینی که مردم از ایشان داشتند در عین حال توجه به این نکته را ضروری می‌دانستند که نهادهای ساختار قدرت بر مبنای قانون شکل می‌گیرد و از این جهت تأکید کردند که نسبت به اصل نظام، فراموش صورت بگیرد و بر تدوین قانون اساسی تأکید کردند. یعنی خبرگان انتخاب شوند و پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه کنند و تأکید فرمودند قانون اساسی مصوب خبرگان منتخب ملت به فراموشی مردم گذاشته شود و ارکان قدرت در این ساختار مهندسی سیاسی را بر قانون مبتنی کردند که در قانون اساسی آمده بود و پیگیری کردند که قانون اساسی به طور دقیق اجرا شود. یعنی بلافاصله انتخابات متعدد برگزار شد از جمله انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجالس و بعدها پیش‌بینی انتخابات شوراهای قانون اساسی را پیگیری کردند که تأکید حضرت امام بود. از ابتدای انقلاب، تأکید امام به مسئولین، رعایت قوانین بود. تأکید داشتند حکومت در رفتار با مردم، قانون مساوی و عادلانه و عدم تبعیض در اجرای قانون را رعایت کند. اینکه امام تأکید می‌کردند پیامبر عظیم‌الشان اسلام هم در مقابل قانون بی‌امتیاز در یک صف هستند. این تعبیر، تعبیر بسیار جامعی است. امام می‌فرمودند: «در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم‌الشان - صلی الله علیه و آله - در مقابل قانون، بی‌امتیاز در یک صف هستند و احکام قرآن و اسلام بر همه جاری است.» امام در اواخر سال ۱۳۵۷ و به خصوص در روزهای نخست پیروزی در روز بیست و شش آذر سال ۱۳۵۸ سخنرانی کردند. با اینکه امام اول کار بودند امامی می‌فرمایند: «من اعلام خطر می‌کنم که ما مثل محمد رضا و پدرت از او بر سر اسلام بیاوریم با قانون شکنی و خودسری مأموران حکومت.»

امام خمینی فرمانی تاریخی درباره مسایل حقوقی و قضایی صادر کردند، فرمانی هشت ماده‌ای که در آن به بیان برخی تذکرات و دستورها به منظور رعایت حقوق شهروندی پرداختند. در واقع به دلیل برخی تندروی‌هایی که گاه در آن سال‌ها در برخورد با مظاهر فساد صورت گرفته بود، حضرت امام خمینی (ره) چنین فرمان قاطعی صادر کردند و یکی دو جا نیست. شما اگر مجموعه سخنان، پیام‌ها، اقدامات و مأموریت‌هایی که امام به قوه قضاییه و وزرای کشور دادند را بررسی کنید می‌بینید امام مثل یک ناظر حاضر و بصیر و یک باغبان دلسوز به طور شبانه‌روزی احساس می‌کردند که این باغ انقلاب و نهال نوشکفته انقلاب اسلامی بدون جریان آب زلال اجرای قوانین درست و قوانین بی‌تبعیض و عادلانه و مساوی به ثمر نخواهد نشست و رشد نخواهد کرد.

**نقش و تاثیر بی‌قانونی و عدم تبعیت از قانون در تولید و تکثیر فساد در نگاه امام چگونه است؟**

در آسیب‌شناسی حرکت انقلاب، امام احساس می‌کردند که بی‌توجهی به قانون، اساس انحرافات و فسادها خواهد بود. از این جهت شما ملاحظه می‌کنید وقتی بنا به دلایل خاصی در سال ۱۳۶۰ که گروهک‌ها کارهای تروریستی و ناامن کردن کشور را شروع کردند و عده‌ای فضای ملتهب خاصی را بهانه کردند که به تشخیص خودشان افراد را بگیرند و به خانه‌های مردم برای کشف جرم بریزند امام پیام هشت ماده‌ای عجیب را صادر کردند که واقعا از نقاط درخشان دوران مدیریت حضرت امام است. در آن شرایط که همه جای دنیا اجرای قانون را نادیده می‌گیرند، در زمان جنگ و در روزهای پرتلاطم انقلاب که قانون اصلاً موضوعیتی برای رهبران نهضت‌ها و نیروهای انقلاب ندارد. امام در آن شرایط نه یک بار و نه دو بار، بلکه ده‌ها بار و بیشتر مسئله قانون و قانون‌گرایی را مطرح کردند و اصرار



کردند. امام در یک جا فرمودند: اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. همچنین می فرمایند: مسئله مهم این است که ملت موظف است که نظارت داشته باشد، یعنی مردم را ناظر بر اجرای قانون قرار دادند و از آن ها می خواهند که اگر امام پایش را کج گذاشت مردم موظف هستند که تذکر بدهند و بگویند که پایت را کج گذاشتی؛ خودت را حفظ کن. این ها نکات درخشانی است که کمتر گفته می شود و کمتر در مستندات ساخته می شود. اگر تأکیدات قانونی امام از سال ۱۳۵۸ تا پایان حیاتشان را بررسی کنیم می بینیم مسئله قانون و قانون گرایی در سیره امام، جایگاه ویژه ای داشته و هر جا که می دیدند از قانون عدول شده است برمی آشفتنند و خودشان به شدت پایبند به این بودند که قوانین حتی قوانین جزئی را دقیقاً در زندگی شخصی و بر خورد با دیگران رعایت کنند که در سؤالات بعدی به چند نمونه که در خاطرات اطرافیان امام آمده یا در مدارک و اسناد موجود است اشاره خواهیم کرد.

**حضرت امام (ره)، همواره بر آن تأکید داشتند که وقتی افراد جامعه می توانند در سایه فرهنگ اجرای قانون به رشد و تعالی و کمال برسند، که اجرای قانون در گستره عام آن و در همه موارد و هماهنگ با یکدیگر باشد و تمامی افراد از مسئولان و مردم موظف باشند بر آن عمل کنند و همچنان می باید اجرای قانون در همه موارد و همه قلمروهای زندگی باشد. در این زمینه چه دیدگاهی دارید؟**

در فرمایشات حضرت امام در جاهایی که جنبه نظری و تئوری نظام را مطرح می کنند و در جاهایی که توصیه های موردی به شورای نگهبان، مسئولین قوه قضاییه، رئیس جمهور وقت و مجلس شورای اسلامی دارند بر این نکته تأکید دارند که تخلف از قانون و عدم رعایت قوانین ما را به همان وضعیت زمان شاه یا بدتر بازمی گرداند. امام می فرمایند: «من خوف دارم که ما مثل محمدرضا یا بدتر از او بر سر اسلام بیاییم با قانون شکنی و خودسری مأموران حکومت.» یعنی در واقع عدم رعایت قانون در ذات خودش فسادزا است و فساد ایجاد می کند. امام در جای دیگر می فرمایند: «نبود قانون چون موجب هرج و مرج می شود. نبود مجری قانون که همان حکومت است موجب هرج و مرج است، حتی حکومت جور بهتر از نبود حکومت است. زیرا نبود حکومت موجب هرج و مرج می شود.» امام از همین زاویه نگاه به قانون به ضرورت اصل تشکیل حکومت رسیدند و در تشکیل حکومت به شاخصه های حاکمان صالح رسیدند و نهایتاً به ولی فقیه رسیدند که هم شرط عدالت و شرط علم به قانون را داشته باشد. در واقع ولایت فقیه از این باب هست که با دانش و عدالتی که دارد باید ولایت فقه که همان ولایت حاکمیت قانون است را در جامعه به وجود بیاورد. لذا حضرت امام در سال ۵۷-۵۸ و ۵۹ به طور مداوم نسبت به فسادهای ناشی از خشونت و خودسری و تعرض به زنان به بهانه بی حجابی و بدحجابی در کوچه و بازار و مصادره اموال اعتراض می کنند. در واقع امام تخلف از قانون را منشأ هرج و مرج و ظلم به دیگران و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران می دانند. لذا در جایی در رابطه با تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی می فرمایند: «این خلاف شرع و خلاف اسلام است و موجب تعقیب و مجازات است. چون موجب هرج و مرج و بی نظمی و اضرار به دیگران می شود.» ایشان در بحث رعایت قوانین مراعات و جنگل ها و محیط زیست تأکید می کنند که عدم رعایت این قوانین موجب از بین رفتن منافع عمومی است.

در آسیب شناسی وضعیت موجود جامعه و آسیب شناسی قانون در جامعه عرض می کنم یکی از ریشه های اصلی پیدایش مفاسد، بی قانونی یا قانون بد یا اجرای نادرست قوانین است که به بخش اخیر بیشتر اشاره خواهیم کرد.

بنابراین امام فساد انسان را در تخلف از قوانین موضوعه الهی در مسائل دینی شخصی و خانوادگی می دانند و فساد جامعه را در تخلف از قوانین و دستورات قانونی می دانند که در اشکال مختلف فساد بروز خواهد کرد. این موضوع در جای جای صحبت های امام و اقدامات ایشان مشاهده می شود.

### **رابطه حکومت با مفهوم تبعیت از قانون از منظر حضرت امام چگونه است؟**

در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)، قانون از ضروریات اولیه تشکیل حکومت اسلامی است و ایشان همگان را تابع قانون می دانند. ایشان فلسفه تشکیل حکومت را اجرای قانون می دانند و معتقد هستند بدون حکومت بسیاری از قوانین اجرایی تحقق پذیر نیست مثل: قوانین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی. امام در استدلال بر ضرورت تشکیل حکومت و ولایت فقیه به این نکته بدیهی اشاره می کنند و می فرمایند بسیاری از احکام اسلامی شاید بیش از هشتاد درصد از احکام اسلام که همان قوانین هستند احکام و قوانینی هستند که جز با وجود یک حکومت قابلیت اجرا پیدا نمی کنند. بنابراین وقتی که فلسفه تشکیل حکومت اجرای قانون باشد؛ طبیعی است که حکومت کاری جز اجرای قانون ندارد و وقتی که صحبت از قانون می کنیم ویژگی هایی در قانون مد نظر امام است که در هر جامعه عقلایی مورد توجه است.

اما از جمله این ویژگی ها که اختصاص به اندیشه امام و جوامع اسلامی دارد امام می فرمایند قوانین باید مبتنی بر اسلام و کلیات شریعت الهی باشد، دوم اینکه قانون باید قانون عادلانه و فراگیر و بدون تبعیض برای آحاد جامعه باشد. نکته دیگر آنکه قانون باید در بر گیرنده مصالح عمومی و مصالح مردم و سعادت مردم باشد. قانون بد و فاسد خودش ریشه مفاسد و انحراف خواهد بود. بنابراین صرف وضع قانون برای تأمین سعادت و سلامت جامعه کافی نیست. بلکه قانون خوب و منطبق با نیازهای واقعی بشر، تضمین کننده سعادت است. لذا امام قوانین الهی را منطبق با فطرت انسانی می دانند و در وضع قوانین سخت گیری ها و شرايطی را قائل هستند که این قوانین در واقع قوانین عادلانه و درست و سعادت بخشی باشد. لذا امام به قوانین نادرست و ضد استقلال کشور در زمان شاه اعتراض کردند مثل قانون کاپیتولاسیون. این قانون، قانون بود اما قانونی بر خلاف قانون اساسی و ثانیاً بر خلاف منافع ملی بود. بنابراین اگر قانونی وضع می شود قانون ناعادلانه قانون برای

محدود کردن حقوق اساسی مردم، قانون تبعیض آمیز برای ایجاد یک رانت برای طبقه خاص و مرفه، فسادزا خواهد بود. لذا امام بر قانون عادلانه، قانون مبتنی بر تحقیق و دانش و قانون گذاری عالمانه تأکید دارند. امام در پیام هایی که به مناسبت آغاز برخی مجالس داشتند نمایندگان مجلس را به مطالعه و مشورت و گرفتن نظرات کارشناسی و گرفتن تجربه دیگران و بکارگیری خرد جمعی و در نظر داشتن ضوابط اسلامی در وضع قوانین مورد تأکید قرار دادند و همه از کان حکومت را به رعایت قانون فرامی خواندند.

پس از پیروزی بنی صدر در انتخابات ریاست جمهوری و همچنین پیروزی حزب جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس شورای اسلامی، اختلافات وی با مجلس در موضوعات شش گانه بالا گرفت. بنی صدر در جایی گفته بود که ما قانون را قبول نداریم. امام از این سخن بنی صدر خیلی بر آشفتنند و سخنرانی کردند و پیام دادند که وقتی فرآیند قانون گذاری طی شد، و قانونی را مجلس تصویب کرد و شورای نگهبان تأیید کرد احدی حق ندارد بگوید من قانون را قبول ندارم. امام حتی فرمودند: «نمی شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد.» لذا در جاهایی که بر حسب معمول حق طبیعی رهبر و بنیانگذار است امام در آن جاها هم سعی داشتند که از این حق عرفی برای تحکیم قانونگرایی در جامعه استفاده نکنند. به یکی دو مورد اشاره خواهیم کرد. امام در جایگاه و نقش بالاترین مسئول نظام، قانونمندترین و قانون گرا ترین فرد بودند و تعهد عملی خودشان به قانون در اوج بود. امام رعایت قوانین حکومت را حتی برای کشورهای دیگر هم ضروری می دانستند و چون نقض قانون موجب هرج و مرج می شد آن را قبول نداشتند. مرحوم حاج مصطفی فرزند امام در خاطراتشان نقل می کنند وقتی امام در همدان بودند می بایست از خیابانی که در وسط آن چمن کاری شده بود عبور می کردند؛ امام برای آنکه پا روی چمن های کاشته شده نگذارند، مسیر طولانی را طی می کردند تا پا روی چمن گذاشته نشود. دانشجویان خارج از کشور استدلال می کردند که حکومت های غربی و آمریکا از حق ما خورده اند و ما می توانیم هزینه های عمومی مثل تلفن و... را پرداخت نکنیم یا از اموال عمومی برداشت کنیم. امام همه این کارها را غیر مشروع معرفی کردند. جالب است که وقتی امام در نوفل لوشاتو بودند به مناسبتی گوسفندی را در همان محل ذبح کرده بودند که به اطرافیان امام غذا بدهند. امام مطلع شده بودند از اینکه طبق قوانین فرانسه، کشتار گوسفند در خارج از کشتار گاه قانوناً ممنوع است و چون گوسفند بر خلاف قوانین و مقررات آن کشور ذبح کرده بودند امام از گوشت آن نخوردند و فرمودند من از این گوشت نمی خورم؛ چون به صورت غیر قانونی آن را ذبح کرده اید. در حالی که ممکن است خیلی ها فکر کنند عجب کار خوبی بوده است و ذبح اسلامی انجام شده است. کاری که خیلی ها انجام می دهند. امام آن را خلاف می دانند و خودشان مقید بودند. در موضوعات مهم امام پایبند و مقید بودند و دقت می کردند. از جمله چیزهایی که امام پایبند به اجرای آن بودند و به شدت مراقب بودند آن است که ایشان در قلمرو وزارت قوا و دیگران سعی داشتند حتی المقدور دخالت نکنند مگر جایی که ضرورت پیش می آمد به خاطر مسائل ویژه اوایل انقلاب و مسائل جنگ.

لذا خیلی از افراد که به دفتر امام می آمدند و درخواست یا کاری داشتند امام می فرمودند کارهای خود را از مجاری قانونی پیگیری کنید و به اعضای دفتر اجازه مداخله در امور و وظائف دستگاه های اجرایی و عزل و نصب ها را مطلقاً نمی دادند. این از مسائل مهم بود. امام اجازه نمی دادند که افراد دفتر از قدرت ناشی از اتصال به رهبری نظام استفاده کرده و مداخله یا خدای نا کرده سوء استفاده ای داشته باشند. ممکن است مداخله به انگیزه سوء استفاده نباشد اما

**خیلی از افراد که به دفتر امام می آمدند و درخواست یا کاری داشتند امام می فرمودند کارهای خود را از مجاری قانونی پیگیری کنید و به اعضای دفتر اجازه مداخله در امور و وظائف دستگاه های اجرایی و عزل و نصب ها را مطلقاً نمی دادند. این از مسائل مهم بود. امام اجازه نمی دادند که افراد دفتر از قدرت ناشی از اتصال به رهبری نظام استفاده کرده و مداخله یا خدای نا کرده سوء استفاده ای داشته باشند. ممکن است مداخله به انگیزه سوء استفاده نباشد اما خدای ناخواسته به فساد منجر خواهد شد. امام این آسیب را به خوبی می دانستند**



خودبه خود مداخله فراقانونی به فساد منجر خواهد شد. امام این آسیب را به خوبی می دانستند. در یک مورد از امام درباره بعضی صدقات و زکات‌ها که ایرانیان یا مسلمانان خارج از کشور به صورت ارز برای امام می فرستادند سؤال شد، چون ارزش ارز آنها در بازار آزاد با ارز دولتی فاصله داشت از امام سؤال شد آیا ما برای حفظ مصلحت زکات و وجوه شرعی اجازه داریم آنها را در بازار آزاد به فروش برسانیم و پولش را به فقرا بدهیم. امام فرموده بودند از آقای موسوی نخست‌وزیر سؤال کنید که آیا فروش آزاد این ارز طبق مقررات جایز است. اگر آقای نخست‌وزیر آن را جایز نمی دانند به دولت بفروشید و پول آن را به نرخ ارز دولتی به فقرا بدهید. این مسئله، مسئله بسیار مهمی است. در موضوعات اینگونه که خیلی‌ها رعایت نمی کنند یا اصلاً توجه ندارند امام توجه داشتند. امام اولین کسی بودند که طبق قانون اساسی لیست دارایی‌های خود را به صورت مکتوب به دیوان عالی کشور و رئیس قوه قضائیه وقت مرحوم آیت‌الله شهید بهشتی دادند. شما در مسائل مهمتر ملاحظه می کنید که امام در قضیه رأی اعتماد به نخست‌وزیری آقای مهندس موسوی که در زمان جنگ بود با اینکه نظر مکتوبشان بر آن بود که در شرایط فعلی من مصلحت نمی دانم که به آقای موسوی رأی اعتماد داده نشود. در عین حال در همان نامه تأکید می کنند که اختیار با نمایندگان است و من صرفاً نظرم را بیان کردم. نمایندگان هر تصمیمی که بگیرند همان ملاک عمل باید باشد. وقتی شهید بهشتی به شهادت رسیدند می خواستند آیت‌الله اردبیلی را به جای ایشان نصب کنند. امام در یک نامه‌ای از مرحوم آیت‌الله اردبیلی تشکر و تمجید کردند که من ایشان را می شناسم و در مجموع ایشان را فرد مناسبی برای ریاست قوه قضائیه می دانم، اما چون بر اساس قانون اساسی باید با مشورت قضات، رئیس قوه قضائیه را مشخص کنند، امام فرمودند در عین حال آقایان نظرشان را نسبت به آقای اردبیلی بگویند و اگر اکثریت قضات نظر بر فرد دیگری دارند بگویند که همان تعیین شود. با اینکه صراحتاً مصلحت کشور را در تعیین آقای اردبیلی می دانستند اما چون قانون می گفت این اقدام باید با مشورت باشد امام فرمودند اگر قضات نظر دیگری دارند بر اساس آن عمل شود.

در مسئله تصویب قانون وزارت اطلاعات در مجلس نمایندگان، برای وزیر اطلاعات شرط اجتهاد گذاشته شده بود. امام خبردار نبودند و به وسیله رسانه‌ها مطلع شدند چنین قانونی گذاشته شده است. امام فرموده بودند وزارت اطلاعات، مجتهد نمی خواهد و تعبیر خاصی به کار برده بودند. مرحوم آیت‌الله هاشمی در خاطرات خود بیان کردند من وقتی مطلع شدم که نظر امام منفی است خدمت ایشان رسیدم و گفتم ما هنوز قانون را به شورای نگهبان نفرستاده‌ایم، اگر نظر شما مخالف است ما این قانون را به مجلس برمی گردانیم تا آن را اصلاح کند. امام فرموده بودند خیر، وقتی نمایندگان در مجلس رأی دادند مصلحت نیست که من قانون را تغییر بدهم با اینکه هنوز به تأیید شورای نگهبان نرسیده و قانون کامل نشده بود. اما چون نمایندگان رأی داده بودند امام تغییری در آن ندادند. مسئله مهمتر در بحث قائم مقام رهبری است. قائم مقام رهبری در قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود و خبرگان بدون مشورت امام برای امام، قائم مقام تعیین کردند. امام با اصل مسئله و مصداق آن مخالف بودند اما چون خبرگان رأی داده و انجام شده بود امام تمام همتشان را بر این قرار دادند که این مسئله را مدیریت و کشور را آماده کنند که متأسفانه به دلایل دیگری مسئله با مشکل مواجه شد. منظور من آن است که امام خودشان در رأس حکومت در جزئیات امور در مقررات جزئی به رعایت قانون پایبند بودند. اگر خاطرات افراد دفتر حضرت امام را مطالعه کنید

می بینید پر است از موارد پایبندی امام به قانون از مسائل جزئی گرفته تا مهمترین مسائل. امام هر جا از دولتمردان و قوای مختلف، بی قانونی و قانون شکنی یا دور زدن قانون را مشاهده می کردند به شدت با آنها برخورد و آنها را مؤاخذه می کردند و تأکید مضاعف بر رعایت قانون داشتند.

### وضعیت فعلی ما با ایده‌آل‌های امام به لحاظ عمل به قانون و قانون ناگزیری چقدر فاصله دارد؟

آسیب‌شناسی قانونگذاری در ایران مسئله بسیار مهمی است و من روی این مسئله کار کرده‌ام ولی فهرستوار و اجمالاً عرض می کنم ما در نظام قانونی فعلی کشور یعنی مجموع قوانین، مشکل داریم. در هزار توی قوانین، با حجم بالا و تراکم قوانین و نامتجانس و بعضاً معارض و تصویب و تنقیح نشده‌ای مواجه هستیم که همین مسئله گریزگاه‌های بسیاری را برای قانون شکنان و سردرگمی برای مجریان و قضات ایجاد کرده است. نکته بعدی در واقع وضع قوانین نامناسب و بعضاً تبعیض آمیز است. بدتر از همه تبعیض در اجرای قانون است. در حال حاضر به انواع شیوه‌ها و با سوءاستفاده از مناصب و سوءاستفاده از تعارض قوانین با کمال تأسّف و بعضاً پرداخت رشوه و استفاده از نفوذ و پارتی‌بازی و اعمال قدرت در اعمال قانون، تلقی عمومی در جامعه این نیست که قانون در کشور حاکم است. مخصوصاً که این روزها مردم در فشار سنگین معیشتی و گرانی کالاها و تورم بسیار کمرشکن قرار گرفته‌اند و احساس می کنند نوعی هرج و مرج بر بازار حاکم است. ملاحظه می کنید کالائی که منشأ واحد در تأمین دارد و حتی کالای یارانه‌ای است در بازار به قیمت‌های متفاوت به فروش می رسد. احساس تبعیض یا بی قانونی در فضای کسب و کار و ارائه خدمات عمومی و بالاخره دور زدن قانون توسط افراد حرفه‌ای در کشور وجود دارد. در بعضی قوانین مثل قوانین حاکم بر شهرسازی و قانون شهرداری‌ها در بحث مالیات در بحث واردات و صادرات و گمرک، احساس عمومی بر این هست که بالاخره راهی برای دور زدن قانون پیدا می شود یا عده‌ای هستند که به ازای دریافت پول هر کاری می کنند. وجود بیش از پانزده تا بیست میلیارد دلار قاچاق در کشور نشان از اوج بی قانونی یا قانون شکنی در مهمترین مسئله

**در مسئله تصویب قانون وزارت اطلاعات در مجلس نمایندگان، برای وزیر اطلاعات شرط اجتهاد گذاشته شده بود. امام خبردار نبودند و به وسیله رسانه‌ها مطلع شدند چنین قانونی گذاشته شده است. امام فرموده بودند وزارت اطلاعات، مجتهد نمی خواهد و تعبیر خاصی به کار برده بودند. مرحوم آیت‌الله هاشمی در خاطرات خود بیان کردند من وقتی مطلع شدم که نظر امام منفی است خدمت ایشان رسیدم و گفتم ما هنوز قانون را به شورای نگهبان نفرستاده‌ایم، اگر نظر شما مخالف است ما این قانون را به مجلس برمی گردانیم تا آن را اصلاح کند. امام فرموده بودند خیر، وقتی نمایندگان در مجلس رأی دادند مصلحت نیست که من قانون را تغییر بدهم با اینکه هنوز به تأیید شورای نگهبان نرسیده و قانون کامل نشده بود.**

کشور یعنی بازرگانی و مبادلات صادرات و واردات کشور دارد. فسادهایی که هر چند یکبار مشاهده می شود، اختلاس‌هایی که در نظام بانکی و نظام تعرفه‌ای و در بازار مالی و در بورس و زمین خواری‌ها و تعارض به منابع طبیعی و تعارض به محیط زیست مشاهده می شود حکایت از نادیده گرفتن قوانین شهرسازی و پذیرش این موضوع و صرفاً حل مسئله با دریافت مبلغی جریمه و قانون‌گریزی مبنی بر اینکه تخلف می کنیم و خلاف می‌سازیم و در نهایت جریمه پرداخت می کنیم وجود دارد. اخیراً قوه قضائیه حرکت خوبی را آغاز کرده است و من امیدوارم این حرکت ادامه پیدا کند. این که قوه قضائیه سازهایی را که در بستر رودخانه‌ها و دریاها و معابر عمومی و منابع طبیعی ساخته شده است تخریب می کند نشان می دهد که قانون حاکم نبوده است که این سازه‌ها ساخته شده است. امروزه تارسیدن به نقطه مطلوب قانون‌گرایی فاصله داریم. در یک جمله می‌خواهم بگویم فضای احترام به قانون و حاکمیت به قانون در کشور ما متأسفانه متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران و آرمانها و اهداف امام خمینی نیست. ما در دنیا به عنوان یک کشور قانون‌گرا شناخته شده نیستیم و حتی در رفتار عمومی قانون را رعایت نمی کنیم. بی احترامی به قوانین راهنمایی و رانندگی، بی احترامی به قوانین عمومی مصادیق زیاد و گسترده‌ای دارد. نیازمند یک حرکت جمعی و عزم ملی هستیم تا قانون مدار تمام رفتارها برای تمام آحاد جامعه به خصوص مسئولان و مراکز حکومتی باشد. امروزه قانون شکنی که بعضاً از طریق نهادها و افرادی صورت می‌گیرد که خودشان یا ضابط قانون هستند یا مجری قانون به خصوص در حقوق اساسی مثل انتخابات، مثل بررسی صلاحیت‌ها، گزینش و استخدام‌ها، در همه این امور امام فریادها بر سر مسئولان گزینش و استخدام کنندگان زدند.

در مجموع باید گفت در کمال تأسّف رعایت قانون و قانون‌گرایی در کشور ما وضعیت مناسب و مطلوبی ندارد. مردم ما این روزها به دلیل قانون شکنی‌هایی که در عرصه اقتصاد و معیشت شده است در رنج و مشقت هستند.

### جنابعالی چه راهکاری را برای رسیدن به وضعیت مطلوب پیشنهاد می کنید؟

در سال نود و هشت بر اساس یک بررسی جامع و آسیب‌شناسی که در دفتر مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت از ناحیه رهبری صورت گرفت مجموعه‌ای تحت عنوان سیاست‌های کلی قانونگذاری تصویب و ابلاغ شد. عمدتاً مخاطب اصلی این سیاست‌ها، دولت و مجلس هستند که لویح قانونی و طرح‌ها را تهیه و تصویب می کنند. در این سیاست‌های کلی قانونگذاری می‌توان گفت محورهای اصلی باید‌های قانونگذاری و ریل گذاری قانونی درست کشور به تنقیح قوانین گذشته و اصلاح قوانین گذشته و رفع معایب نظام قانونگذاری فعلی مورد تأکید قرار گرفته است و قرار بوده است که بلافاصله این سیاست‌های کلی مورد توجه قرار گیرد، آیین‌نامه داخلی مجلس بر اساس این مبانی اصلاح شود و اصلاح قوانین صورت پذیرد. با کمال تأسّف تا امروز اقدام مهمی در این عرصه صورت نگرفته است. به نظر من مجلس شورای اسلامی که هنوز در نیمه کار خودش است و دولت کنونی که در اول کار خودش هست باید اجرای سیاست‌های کلی قانونگذاری را مورد توجه خاص خود قرار دهد و هر چه سریعتر احکام و سیاست‌های کلی را عملیاتی کند. البته اقدامات دیگری نیز ضروری است. من بار دیگر تأکید می‌کنم رویکرد اخیر قوه قضائیه و جناب آقای اژه‌ای در موضوع اجرایی کردن برخی از قوانین و مقررات متروکه یا مبارزه جدی با فساد رویکرد مثبتی است که من امیدوارم ان شاء الله سرآغازی برای توسعه این حرکت عمومی باشد.

## راه مبارزه با دیکتاتوری و استبداد قانون مداری است



حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مقدم عضو مجمع روحانیون مبارز و معاون بین الملل موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) در گفت و گو با حریم امام با اشاره به جایگاه قانون و قانون گرایی در اندیشه حضرت امام، در نقد قانون گریزی و راهکارهای پرهیز از تمرد از قانون و تبعات منفی عدم تبعیت از قانون سخن گفت.

چارچوب معیارهای اسلامی و اصول اسلامی است. اما تأکیدی که امام بر این مسئله دارند اصل قانون است، یعنی می فرمایند جامعه بر اساس قانون اسلامی می تواند باشد. در جای دیگر امام می فرمایند: قانون در رأس واقع شده است و همه افراد کشور باید خودشان را با آن قانون تطبیق دهند حتی اگر قانون بر خلاف خودشان حکمی کرد باید خودشان را در مقابل قانون تسلیم کنند. آن وقت است که کشور، کشور قانون خواهد شد. یعنی امام می فرمایند اجرای قانون آن است که هر کسی خودش را ملتزم به قانون بداند و همه انسانها از نظر روانشناختی این اصل را بپذیر باشند که وقتی چیزی قانون است آن را به عنوان اجرا بپذیرند، حال ممکن است این قانون به نفع یا ضررشان باشد.

امام در مورد یکسان بودن قانون در جایی می فرمایند: در اسلام قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم (ص) تابع قانون الهی بود و نمی توانست از آن تخلف کند. فرقی نمی کند یک رهبر باشد یا یک فرد عادی، در جامعه همه در برابر قانون مساوی هستند. اگر یک جامعه بخواهد، جامعه قانون مدار باشد این هر سه رکن یعنی اول قوانین باید در جامعه روشن و درست تبیین شود، نهادهای قانونی باید همه عرصه های جامعه را به وسیله قانون گذاری تبیین و شفاف کند و دوم اینکه در جهت اجرای آن راهکارهای لازم را ارائه دهد. در دنیای مدرن بخش اول را به قوه مقننه و بخش دوم را به قوه مجریه سپرده اند. سومین مسئله، یکسان بودن همگان در برابر قانون است و همانطور که امام فرمودند پیامبر اسلام در برابر قانونی که طبیعتاً آن زمان قانون، قانون شرع و جامعه، جامعه اسلامی بوده یکسان است. این نگاهی است که امام نسبت به شیوه قانون مداری در حوزه حکومت و جامعه از خود بروز دادند.

ارکان مهم مقوله قانون گرایی چیست و چه تأثیری در ایجاد نظم، همبستگی و پیشرفت جامعه دارند؟

اگر بخواهیم برای قانون گرایی و قانون مداری ارکانی ترسیم کنیم باید به آنها در سه حوزه اشاره کنیم. من اشاره وار به این ارکان اشاره خواهم کرد. اولین مسئله، تبیین قانون است و اینکه یک سری از قوانین در حوزه جامعه، تعریف، شفاف و روشن شود؛ به عنوان قوانینی که جامعه را به سمت و سوی قانون هدایت کند. دومین مسئله بعد از تبیین قوانین به صورت شفاف، تعریف راهکارها برای اجرای قوانین است. شما اگر بهترین قوانین را در جامعه داشته باشید اما جامعه فرایند اجرای آن قوانین را نداشته باشد یا نهادهایی را برای اجرا و اعمال قوانین جاسازی و بازسازی نکنید طبیعتاً صرف داشتن قانون، جامعه را روشن مند و قانون مند نخواهد کرد.

سومین مسئله ای که در یک جامعه به عنوان رکن قانون گرایی و قانون مداری باید مورد توجه قرار بگیرد آن است که قانون برای همه یکسان است. یعنی قانون استثنا بردار نیست. طبیعتاً در یک جامعه دانی و عالی، حاکم و محکوم، رئیس و مرئوس، همه انسان ها در برابر قانون سهیم و مساوی هستند. شما وقتی بیانات امام در این سه حوزه را واکاوی کنید می بینید امام به این سه حوزه عنایت ویژه داشتند. من در هر بخش یک نکته از امام را به عنوان محور عرض می کنم. امام در جایی می فرمایند: در کشوری که قانون حکم نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، نمی توانیم این کشور را اسلامی حساب کنیم. یعنی در واقع قانون است که جامعه را به معنای واقعی کلمه اسلامی می کند. بن مایه یک جامعه اسلامی آن است که آن جامعه قانون مند و روشن مند باشد. طبیعتاً یک سری از این قوانین، قوانین موضوعه است. یک سری از این قوانین، قوانینی است که بعدها در چارچوب قوانین کلی ذکر می شود و نهادهای قانونی بر اساس آن شکل می گیرد. نگاهی که امام به عنوان یک شخصیتی که در جهت ساخت و بنای جامعه تلاش می کند، داشتند طبیعتاً در

بحث ما درباره تبعیت از قانون در اندیشه حضرت امام (ره) است. علاقمندیم درباره جایگاه قانون گرایی و قانون مداری در گفتار و اندیشه حضرت امام از زبان شما بشنویم.

من مقدمه کوتاهی را عرض می کنم و سپس به سؤال شما پاسخ خواهم گفت. مستحضرید رسالت همه پیامبران و انبیای الهی بر اساس آنچه که در عرف و فرهنگ قرآن بدان اشاره شده، اقامه عدل و قسط در جامعه بشری است که همه مبعوث به رسالت شدند «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» تا انسان و جامعه انسانی روال و روند زندگی انسان و جامعه انسانی بر اساس قسط و عدل شکل بگیرد. طبیعی است که برای رسیدن یک جامعه به عدالت لازم است حقوق جامعه رعایت و تعریف شود و به اصطلاح نظم اجتماعی و روابط انسانی جامعه بر اساس حقوق و معیارهای تعیین شده شکل بگیرد. وقتی چنین مسئله ای اصل باشد؛ عدالت بر اساس حقوق جامعه شکل خواهد گرفت. زمانی حقوق در جامعه می تواند محقق شود که رفتار و کردار هر انسانی بر اساس قانون و نظم اجتماعی شکل بگیرد. بنابراین وقتی جامعه قانون مدار شد، آن جامعه حق مدار خواهد شد. منظور من در اینجا حقوق اجتماعی است. وقتی یک جامعه حق مدار بود؛ طبیعتاً به سمت و سوی عدالت اجتماعی حرکت خواهد کرد. امام به عنوان مرجع دینی و مصلح داعیه دار تحقق اهداف و آرمان های پیامبران چنین هدفی داشتند. همواره تلاش و کوشش امام بر این مایه بوده که با اجرای قانون و التزام به قانون، حقوق جامعه تعریف شود. طبیعتاً وقتی حقوق جامعه تعریف شد، این جامعه می تواند به سمت و سوی عدالت اجتماعی حرکت کند. این اصلی ترین مسئله است که من به عنوان مبنای عرضم در قانون گرایی عرض کردم.

جایگاه قانون گرایی و قانون مداری در گفتار و اندیشه حضرت امام چگونه است؟

اصلی ترین شعار انقلاب اسلامی ما استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود. یعنی اصلی ترین مسئله جامعه ما، بحث آزادی بوده است. آزادی یعنی رهایی و نجات از استبداد و دیکتاتوری. چه چیزی می تواند دیکتاتوری و استبداد را از یک جامعه حذف کند؟ چیزی جز قانون مداری نخواهد بود. در یک جامعه وقتی قانون شکل گرفت و این قانون نسبت به همگان، مناسبات یکسانی داشت، طبیعتاً آنجاست که ما می توانیم جامعه را جامعه مردم سالار بدانیم. مرز میان یک نظام استبدادی و یک نظام مردم سالار، تعهد آن جامعه به قانون است. چرا؟ برای آنکه در یک جامعه قوانین هستند که تمام مهره های جامعه را سر جای خودش قرار می دهد و هر کسی در چارچوب خودش عمل کرده و در محور خودش قرار می گیرد و حوزه ها مشخص می شود.

طبیعی است که تمام تأکید امام در همان سال نخست انقلاب و حتی در همان هفته های اول پیروزی انقلاب آن بود که قانون اساسی به عنوان بن مایه حقوق اساسی جامعه هر چه زودتر شکل بگیرد. حتی امام تأکید داشتند و نظرشان این بود که پیش نویس قانون اساسی که توسط عیزانی در پاریس تهیه شده بود برای سرعت کار به نظر مردم برسد و مردم با یک رفاندوم نظر خودشان را اعلام کنند. آن زمان امام در سخنانشان به مجلس مؤسسان اشاره کرده بودند. گفته می شد بهتر است که پیش نویس در مجلس مؤسسان بیاید. تأکید امام بر شکل گرفتن قانون اساسی در هفته های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید امام بر اصلی ترین رکن قانونگذاری یعنی مجلس شورای اسلامی که در آن زمان شورای ملی بود به خاطر همین مسئله بود که امام به عنوان یک انسان آشنا به مبادی دینی و آشنا به دنیای مدرن امروز بر این محور و باور بودند که نظام و نسق جامعه زمانی شکل می گیرد، جامعه و اجتماع زمانی مانند دانه های تسبیح کنار هم می آیند و چارچوب های خودش را پیدای کند که قانون در این جامعه تدوین، روشن و تبیین شود و سپس قوانین، نهادهای قانونی را برای اجرای قوانین در قانون اساسی روشن کند، روابط و مناسباتی که حاکیان، حکمرانان و مردم در حوزه های مختلف دارند در چارچوب قانون اساسی باید تبیین، شفاف و روشن شود و قوه مجریه به عنوان عامل برای تحقق این قانون اساسی شکل بگیرد.

عنایت امام بر قانون اساسی و شکل گرفتن قانون اساسی بر این بود که تا زمانی که یک جامعه قانونمند و روشمند نشود؛ آن جامعه نمی تواند به نظم، نسق و نظام اجتماعی برسد. طبیعی است که یک جامعه وقتی نظم و نظام اجتماعی نداشته باشد؛ امنیت و پیشرفت نخواهد داشت و چارچوب های آن مشخص نخواهد بود و مسیرش به سمت و سوئی که ترقی و بالندگی است شکل نخواهد گرفت.

### جایگاه و ضرورت قانون و قانون گذاری و تبعیت از آن از منظر شرع و عقل چگونه است؟

امام همیشه تأکید دارند که تبعیت از قانون به خصوص قانون اسلام بر همگان واجب و لازم است. این از جنبه دینی یک بخش است و از جهت حوزه حقوق اساسی طبیعتاً تا زمانی که التزام به قانون نباشد، حقوق جامعه ادا نخواهد شد. وقتی حقوق جامعه ادا نشود، عدالت در جامعه شکل نمی گیرد

و وقتی عدالت در جامعه شکل نگیرد طبیعتاً آن جامعه، جامعه انسانی نخواهد بود. تمام تأکیدی که بر یک جامعه انسانی اسلامی می شود آن جامعه زمانی اسلامی و انسانی است که در آن جامعه، انسان ها نسبت به حقوقی که عقل و شرع تنظیم کرده اند و در دنیای مدرن در چارچوبی که به عنوان قانون اساسی آمده، تنظیم و تبیین شود و نسبت به آن قوانین حرمت و احترام گذاشته شود. اگر اینگونه بود طبیعتاً هر کسی در جایگاه خودش قرار می گیرد و احساس رضایت می کند و احساس می کند حقی از او تضییع و فنا نشده است. از این جهت تمام تلاش امام در سراسر زندگی آن بود که هیچ گونه تخطی از قانون شکل نگیرد. من یک خاطره برای شما تعریف کنم. وقتی به امام خبر رسید که برخی از افراد در حوزه امور شخصی دیگران سرکشی می کنند، امام برمی آشوبند و آنها را می خواهند. امام یکی از بزرگترین شخصیت های جمهوری اسلامی بودند و دنبال همین مسئله بود که امام فرمان هشت ماده ای را مطرح کردند. فرمان هشت ماده ای که در واقع حرمت گذاشتن به زندگی حقوق شهروندی افراد است که یکی از حقوق مسلم جامعه است. به نظر من هنوز هم به عنوان یکی از مدال های نورانی بر چهره زندگانی امام می درخشد و من امیدوارم سردمداران ما فرمان هشت ماده ای امام را ملاک و معیار عملکرد خودشان قرار دهند. این نشان می دهد که امام چقدر نسبت به این قضیه حساسیت داشتند، آن جایی که احساس می کردند افراد می خواهند به حقوق خود احترام نگذارند و حق یکدیگر را پایمال کنند. امام در زندگی شخصی خودشان نیز همین طور بودند. یک انسان منضبط، چارچوب دار و روشمند بودند. سر ساعت می خوابیدند و سر ساعت از خواب بلند می شدند. این نشان می دهد که اصل نظام زندگی در حوزه شخصی و اجتماعی را با همه وجودشان باور داشتند.

### رابطه حکومت با مفهوم تبعیت از قانون از منظر حضرت امام (ره) چگونه است؟

حکومت را می توان در سه قوه تعریف کرد: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه. امام قوه قانونگذاری جامعه یعنی مقننه را به عنوان رأس امور قلمداد می کنند. اگر شما صحبت های امام در رابطه با مجلس را بررسی کنید می بینید امام برای نهاد قانون گذاری بها و ارزش فوق العاده ای قائل هستند و طبیعتاً امام قوه مجریه را عامل و اصلی ترین عامل برای تحقق بخشیدن به قوانینی که از درون قوه قضائیه بیرون می آید می بینند. طبیعی است که قوه قضائیه به عنوان نهادی که عدالت را شکل می دهد، اگر نسبت به قوانین تعهد نداشته باشد، روح عدالت آسیب می بیند. امام به عنوان یک حکمران و مرشد حکومت اسلامی تمام تلاششان آن بود که هر کسی نسبت به قانون و اجرای قانون بتواند به وظیفه خودش عمل کند. زمانی که جنگ تمام شد بعضی از تصمیم گیری ها در چارچوب جنگ توجیه پذیر بود که فراتر از مسائل قانونی بود. با اتمام جنگ قوانین مجلس شورای اسلامی اجرا شد. در جاهایی که برخی از قوانین به ایرادهایی برخورد، مجمع تشخیص مصلحت بر اساس مصالح عامه عمل خواهد کرد. تحقق بخشیدن به قوانینی که از قوه مقننه بیرون می آید به عنوان راهکار اساسی برای

روشنی جامع و اجرای عدالت در جامعه مطرح است و مهمترین مسئله ای بود که امام به آن تأکید داشتند. هیچ چیزی برای مردم رنج آورتر از تبعیض نخواهد بود و مبارزه با تبعیض و بی عدالتی فقط و فقط قانون مداری است.

### لطفاً به نمونه هایی از برخورد امام با قانون شکنان و قانون گریزان اشاره بفرمایید.

عمده ترین مسئله به نظر من که به آن اشاره کردم همان فرمان هشت ماده ای بود که خیلی مهم بود. برخورد امام در آن قضیه، برخورد خیلی تندی بود. عکس العمل و راهکاری که امام داشتند خیلی ارزش دارد. در واقع به دلیل برخی تندروی هایی که گاه در آن سال ها در برخورد با مظاهر فساد صورت گرفته بود، حضرت امام خمینی (ره) چنین فرمان قاطعی صادر کردند. به نظر من فرمان هشت ماده ای خیلی ارزشمند است و بهتر است محور گفتگو در یک شماره مجله شما قرار گیرد. حقوق شهروندی از جمله حقوقی است که اگر از یک جامعه سلب شود؛ روح، روان و احساس جامعه را خدشه دار خواهد کرد و سنگ روی سنگ بند نخواهد بود. برخورد امام با قانون شکنان در آن حوزه نتیجه اش همان فرمان هشت ماده ای است که به نظر من یکی از شاهکارهای امام در این حوزه بود. فرمان هشت ماده ای امام خمینی گواهی است بر اهمیت حفظ حقوق مردم و امنیت حریم ملت در نگاه امام (ره).

### نقش و تأثیر بی قانونی و عدم تبعیت از قانون در تولید و تکثیر فساد را بیان فرمایید؟

وقتی در یک جامعه قانون نباشد یا همگان در برابر قانون یکسان قرار نگیرند افراد احساس می کنند می توانند قانون را بر اساس روابط با قدرت به وسیله پول و رانت دور بزنند. استحکام و انسجام هر جامعه ای، توجه به قانون و رعایت آن است و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی از انسانها روی از قانون بر می گردانند و قانون شکنی می کنند. وقتی در یک جامعه بی قانونی باشد؛ نتیجه بی قانونی جز ناامنی در حوزه مسائل سیاسی و رانت خواری و فساد در حوزه مسائل اقتصادی مگر نتیجه دیگری خواهد داشت؟ اما اگر در یک جامعه، افراد احساس کنند در هر بخشی جز قانون با چیز دیگری مواجه نخواهند شد، طبیعتاً وقتی کارمند در اداره به وظایف خود به درستی عمل کند نیازی به پارتی بازی و رشوه دادن نخواهد داشت. اگر یک فرد در حوزه قدرت ببیند روابط و مناسباتش با صاحبان قدرت هیچ نقشی ندارد و چارچوب ها توسط قانون تعیین می شود؛ طبیعی است که وقتی چنین چیزی باشد رانت و فساد شکل نخواهد گرفت. در جامعه ای که قانون به محاق می رود، رشد فساد و رانت شکل می گیرد.

### به نظر جنابعالی چقدر با ایده آل های قانونی فاصله داریم؟

اگر در این جامعه در چارچوب قانون اساسی عمل می شد امروز این وضعیت را نداشتیم. با وجود تمهیدات پیش بینی شده در قانون اساسی و قوانین عادی به منظور تضمین قابل اجرا بودن قوانین در نظام حقوقی ایران، برخی از قوانین کشور با مشکلاتی جهت اجرا روبه روهستند.

## امام قانون گریزی را سبب همه مفاسد اجتماعی می دانست



مهندس محسن هاشمی فرزند مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی سیاستمدار و رئیس پیشین شورای شهر تهران است. او ۱۳ سال ریاست هیئت مدیره و مدیر عاملی شرکت متروی تهران را بر عهده داشته و کارنامه درخشانی را از خود به یادگار گذاشته است. ایشان در گفت و گو با حریم امام به تبیین مفاد فرمان هشت ماده ای حضرت امام به عنوان یکی از اقدامات مهم در تبیین اندیشه قانون مندی و قانون مداری حضرت امام پرداخت.

عزل می شوند و قابلیت برای حکومت وجود ندارد، چرا که دیکتاتوری کرده است! حکومت قانون است. یا اگر فردی شکایتی پیش قاضی ببرد و او را احضار کنند باید در محکمه حاضر شود و می گویند که حضرت علی (ع) این کار را کرد. ما هم یک همچو حکومتی می خواهیم حکومت قانون، آن هم قانون مترقی اسلام.» اجرای قانون را برای جامعه و برقراری نظم و عدالت، هدف مهم می دانستند.

**ارکان مهم مقوله قانون گرای چیست و چه تاثیری در ایجاد نظم و همبستگی و پیشرفت جامعه دارد؟**

سه عنصر تبیین و شفافیت قوانین، اجرای قوانین و نیز تساوی انسان ها در برابر قانون ارکان مقوله قانون گرای است که سابقه دینی و تاریخی آن به قرن ها قبل برمی گردد و فضل سبقت، از آن ادیان آسمانی و پیامبران الهی است. امام خمینی (ره) به عنوان برترین شخصیت قرن بیستم اندیشه های بلند و متعالی در این زمینه دارند. امام خمینی (س) معتقد است وجود قانون به تنهایی نمی تواند سعادت کامل بشر را فراهم کند، بلکه قانون باید قابل اجرا باشد. دیدیم که قوانینی در جمهوری اسلامی تصویب شد و به صورت بسیار ناقص اجرا شد و کم کم وهن نظام گردید.

بعد از انقلاب به فوریت حکومت خود را قانونمند پایه گذاری کردند. بنا به خواسته شخصی خود عمل نکردند، دیکتاتوری نکردند. فوراً دولت موقت را تعیین کردند. با قوانین قدیم ادامه دادند تا موارد کم کم به صورت قانونی حل و فصل شود. نوع حکومت را با رفتارندوم به آرای عمومی و به عهده مردم گذاشتند. مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. در چند ماه پس از پیروزی انقلاب به دستور امام پیش نویس قانون اساسی جدید نوشته شد. مردم، اعضای مجلس خبرگان را

درباره اموال و دارایی های دولت در رژیم طاغوتی شاه را نمی دادند.

حضرت امام به عناصر انقلابی خارج از کشور هم که استدلال می کردند اروپایی ها و آمریکایی ها با غارت و استعمار ملت ما این همه امکانات فراهم کرده اند، اجازه تقلب در پرداخت هزینه های عمومی را نمی دادند. در پاریس وقتی ملاحظه فرمودند، گوسفندی را برخلاف قوانین و مقررات شهرداری ذبح کرده اند، از گوشت آن گوسفند استفاده نکردند. لذا پیشنهاد می کنم محققان و پژوهشگران دینی، اندیشه های تابناک و قرآنی ایشان را در خصوص فرهنگ قانون و قانونمندی بررسی و مستندات آن را بیان کنند.

حضرت امام (ره) حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج مبارزه با طاغوت و پس از آن در زمان حیات ده ساله پر افتخارشان که در رأس حاکمیت قرار داشتند، قانون گرای را یکی از عناصر مهم و کلیدی نظام مقدس اسلامی دانسته و برای همه ارکان نظام و مسئولین امر توجه جدی به این مسئله را گوشزد می نمودند و همه اینها را برای تحقق حق و عدالت اسلامی لازم می دانستند.

با مراجعه به کلمات حضرت امام در مورد قانون و ضرورت قانونمندی و قانون گرای و قانون مداری و همچنین پیامدهای تخلف از قانون به جایگاه کلیدی و اساسی قانون در نظام اسلامی ایران، و فصل الخطاب بودن آن و حاکمیت قانون در این نظام، پی می بریم. اگر به صحبت ها و رفتار امام خمینی مراجعه شود، مشاهده می گردد که ایشان نسبت به قانون و رفتار رهبری و مسئولین حساس بوده و تا آنجایی که به خاطر دارم همیشه می فرمودند: مسئولین و رهبران «حکومت اسلامی باید قانون مند» باشند و نباید خلاف بکنند و اگر خلافی انجام دهند باید عزل شوند و نباید ظلم بکنند، اگر سبیلی به کسی بزنند، حتماً از طرف اسلام و حکومت

**لطفاً در ابتدا به بررسی نقش قانون و قانون گرای و قانون مداری در گفتار و اندیشه حضرت امام (ره) بپردازید.**

باید قانون گرای در سیره و روش امام خمینی را از قبل از پیروزی انقلاب و دهه چهل بررسی کرد. زمانی که رژیم پهلوی قصد تصویب قانون معروف به کاپیتولاسیون را در مجلس شورای ملی داشت، امام خمینی که بعد از ارتحال آیت الله بروجردی مرجعیت را در قم با فشار شاگردان و مردم به عهده گرفته و از اولین حرکت های مهم ایشان مخالفت با تصویب این قانون بود که برای برخورد با آن، با آگاهی به میدان آمدند. در خاطرات مرحوم آیت الله هاشمی آمده که حضرت امام (ره) پولی را به ایشان دادند تا ایشان مطالب رادیو را در خصوص مسائل مختلف به ویژه قانون کاپیتولاسیون و اخبار مرتبط به آن گوش داده و اخبار آن را به خدمت امام (س) منتقل کنند. به این رادیویی که به دستور حضرت امام (ره) خریده شد، رادیو کفتر نشان می گفتند. این رادیو هم اکنون در موزه آیت الله هاشمی رفسنجانی در رفسنجان به رویت همگان گذاشته شده است.

**چرا حضرت امام همواره بر همه ارکان قانون و قانون گرای تأکید داشتند؟**

امام خمینی بر همه ارکان قانون مندی و قانون گرای تأکید داشتند؛ از این رو، همیشه تصویب قوانین، اجرای صحیح آن ها، برابری در قبال قوانین و احترام به نهادهای قانون گذار را گوشزد می فرمودند. پایبندی حضرت امام به قوانین و مقررات تا آنجا بوده است که به صرف مشروعیت نداشتن نظام یا حکومتی، بی نظمی یا شکستن قانون و مقررات درون آن را جایز نمی شمردند. به همین جهت، حضرت امام (قدس سره) به مقلدین خود که پرچم مبارزه را در دوران طاغوت به دوش می کشیدند، اجازه تصرف خارج از ضوابط و مقررات

انتخاب کردند و قانون اساسی تدوین شد. به رأی مردم گذاشتند. سال بعد مردم در انتخابات ریاست جمهوری و هم مجلس شورای اسلامی شرکت کردند. کارها قانونی آغاز شد، می بینیم مبنای کار امام بر اساس قانون مداری بود. ایشان همواره مخالف قانون شکنی بودند. بیانیه ۸ ماده‌ای را دادند که کشور را از خطر افراط نجات دادند. بنابراین ایشان به اجرای قانون اهمیت جدی می‌دادند و بی قانونی را سبب همه گونه مفاسد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌دانستند.

**فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) یکی از اقدامات کم نظیر ایشان بود که می‌توان آن را یک نقطه عطف در تاریخ معاصر ایران تلقی کرد، این فرمان چه ویژگی‌هایی داشت؟**

۲۴ آذر ۱۳۶۱ فرمان مهم هشت ماده‌ای امام صادر شد که تأثیر زیادی بر تلطیف فضای تند و انقلابی و نیز تسریع در اسلامی‌تر کردن نظام داشت. به مقتضای طبیعت انقلاب‌ها، حرکت‌های تند و افراطی و سوء استفاده عوامل نفوذی یا فرصت طلب معمولاً اتفاق می‌افتد و در انقلاب اسلامی ایران هم از این نوع حرکت‌ها به وجود آمد و امام در مقاطع مختلف تذکرات و دستوراتی به تناسب شرایط برای مهار اوضاع و تعدیل شرایط داشتند. از جمله آنها این بیانیه مهم است که نمونه‌ای از عملکرد رهبری آگاه و مسلط و دلسوز را نشان می‌دهد. این پیام که بعدها به فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) معروف شد، گواهی است بر اهمیت حفظ حقوق مردم و امنیت حریم ملت در نگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. در واقع به دلیل برخی تندروی‌هایی که گاه در آن سال‌ها در برخورد با مظاهر فساد صورت گرفته بود، حضرت امام خمینی (ره) چنین فرمان قاطعی صادر کردند.

به عنوان مثال اینکه «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد، توقیف کند یا احضار نماید؛ هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.» یکی از بخش‌های فرمان هشت ماده امام خمینی (ره) و بند چهارم آن است که خطاب به رئیس شورای عالی قضایی و نخست‌وزیر وقت صادر شد. البته در آن مقطع، در کشور نهادی به نام قوه قضاییه نداشتیم و دستگاه قضا به صورت شورایی و تحت اشراف شورای عالی قضایی اداره می‌شد و ریاست آن را رئیس شورای عالی قضایی بر عهده داشت و از سوی دیگر بر اساس قانون اساسی، انتخاب وزرا و استانداران هم با رئیس جمهور نبود، بنابراین فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) خطاب به رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر وقت بود، اگر چه امام در همان پیام تصریح فرمودند که این امور بر عهده همگان است.

**محتوای فرمان هشت ماده‌ای را می‌توان به چند حوزه تقسیم نمود؟**

محتوای فرمان هشت ماده‌ای را می‌توان به پنج حوزه تقسیم نمود: یک: تأکید بر تهیه قوانین شرعی، تصویب و ابلاغ آن‌ها. دو: بررسی صلاحیت قضات، دادستان‌ها، کارمندان و متصدیان امور به عنوان کارگزاران نظام اسلامی، با تأکید بر این که میزان حال فعلی اشخاص است. سه: تأکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و داور بودن به گونه‌ای که ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل

اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. چهار: تعیین حوزه دخالت کارگزاران و دولت اسلامی در زندگی خصوصی افراد. پنج: تعیین رئیس دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر جهت جلوگیری از تخلفات و تشکیل ستادهای استانی در این راستا.

**پیامدهای رعایت قانون از منظر حضرت امام چیست؟**

امام خمینی (ره) از جمله پیامدهای ارزشمند رعایت قانون را، اتحاد و دوستی می‌دانند. از منظر ایشان، نظم و فرهنگ رعایت قانون، بستر ساز یگانگی جامعه و ملل مسلمان می‌شود و اگر نظم و قانونی در جامعه نباشد، جامعه توحیدی نخواهد شد و به اهداف خود نخواهد رسید. ایشان رعایت قانون و نظم در همه زمینه‌ها را موجب برادری، برابری و اتحاد می‌دانند. حضرت امام (ره) قانون حکومت اسلامی را سبب ساز اتحاد و برادری می‌دانند که هر کس بر اساس قانون، به حق خود خواهد رسید و به حق دیگری تجاوز نخواهد کرد. در اختلاف‌ها، محور می‌باید قانون باشد همچنان که در تراحم منافع و اختلاف سلیقه‌ها، قانون راه نجات خواهد بود.

**از منظر حضرت امام (ره) علت پایبندی به قانون در حکومت اسلامی چیست؟**

حضرت امام (ره) با توجه به اینکه قرآن را برترین کتاب قانون می‌دانند، معتقد هستند که تمامی قوانین حکومت‌ها در صورتی که متخذاً از قرآن باشد، ارزشمند است و می‌باید بر آن‌ها پایبند بود. از نظر امام، قانون اساسی و تمامی قوانینی که ناشی از احکام اسلامی باشد، اعتبار و ارزش دارد و بر همه مسلمانان واجب است که در عمل به آن و رعایت آن کوشا و جدی باشند. بر این اساس، امام پایبندی به قانون اسلام را امری ضروری و آن را وظیفه‌ای الهی می‌دانند.

**رابطه حکومت با مفهوم تبعیت از قانون از منظر حضرت امام (ره) چگونه است؟**

امام معتقد بودند در ایران اسلامی قانون حکومت

با مرآه به کلمات حضرت امام در مورد قانون و ضرورت قانونمندی و قانون‌گرایی و قانون‌مداری و همچنین پیامدهای تخلف از قانون به جایگاه کلیدی و اساسی قانون در نظام اسلامی ایران، و فصل الخطاب بودن آن و حاکمیت قانون در این نظام، پی می‌بریم. اگر به صحبت‌ها و رفتار امام خمینی مراجعه شود، مشاهده می‌گردد که ایشان نسبت به قانون و رفتار رهبری و مسئولین حساس بوده و تا آنجایی که به خاطر دارم همیشه می‌فرمودند: مسئولین و رهبران «حکومت اسلامی باید قانون‌مند» باشند و نباید خلاف بکنند و اگر خلافی انجام دهند باید عزل شوند و نباید ظلم بکنند، اگر سبیلی به کسی بزنند، حتماً از طرف اسلام و حکومت عزل می‌شوند و قابلیت برای حکومت وجود ندارد، چرا که دیکتاتوری کرده است!

می‌کند، زیرا که پیغمبر (ص) و امامان همگی هم تابع قانون الهی و تکوینی و تشریحی بودند، از قانون الهی عدول و تخلف نمی‌کردند. می‌گفتند می‌خواهیم حکومتی قانونی داشته باشیم؛ البته قوانین تکوینی و تشریحی که باید با هم هماهنگی جدی داشته باشند و گرنه ضد و نقیض هم می‌شوند. در رابطه با جهان می‌گفتند اگر حکومت، قوانین بشری و قانون عالم را بر پا بگذارد و هر جور بخواهد عمل کند ما با این هم مخالفیم. ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز حکومت نکند.

اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه‌هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند به قانون خاضع بشوند و اگر قانون را محترم بشمرند، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلافات از راه قانون شکنی‌ها پیش می‌آید. قانون در رأس واقع شده است و همه افراد هر کشور باید خودشان را با آن قانون تطبیق بدهند. اگر قانون بر خلاف خودشان حکمی کرد، باید خودشان را در مقابل قانون تسلیم کنند. آن وقت است که کشور، کشور قانون می‌شود.

ایشان احترام جدی به نهادهای قانون‌گذار داشتند، مثلاً در مورد مجلس شورای اسلامی، امام، مجلس شورای اسلامی را بالاترین مقام و در رأس تمام نهادها جای می‌دادند و به هیچ کس حق نمی‌دادند به این ارگان جسارت روا دارد. البته در کنار تأکید بر حفظ حریم و جایگاه قانونی شورای نگهبان می‌گفتند من با نهاد شورای نگهبان صدرصد موافقم و عقیده‌ام هست که باید قوی و همیشگی باشد ولی حفظ شورا مقداری به دست خود شماست. بر خورد شما باید به صورتی باشد که در آینده هم به این شورا صدمه نخورد... تذکر پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری هاست. برای همین مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای قانون‌مند کردن اختلافات شورای نگهبان و مجلس ایجاد فرمودند.

**بی‌قانونی و عدم تبعیت از قانون در تولید و تکثیر فساد چه تأثیری دارد؟**

امام در پیام‌ها و سخنان بسیاری از تأثیر تعهد به قانون در پیشرفت زندگی سخن راندند و قانون‌گریزی را سبب همه مفاسد اجتماعی می‌دانستند. به نظر حضرت امام (ره) در هر جامعه‌ای، نظم و قانون و فرهنگ عمل بدان سنگ زیربنای آن جامعه شمرده می‌شود. قانون محور توافق و همدلی است؛ پیروزی و موفقیت هر ملتی در سایه توجه به قانون است و گرنه هر کسی که به قانون تن در ندهد، دچار اختلاف می‌شود و در نهایت موجب شکست او خواهد شد؛ از این رو، چه در حال و چه در گذشته، در هر کشور اسلامی، در هر شکستی که برای آنان اتفاق افتاده، می‌توان سایه شوم بی‌نظمی و بی‌قانونی را دید. امام در باب اهمیت قانون و منزلت بلند و استوار آن، همواره تأکید می‌کردند و تخلف از آن را حرام و خلاف شرع می‌دانستند. از نظر امام در حکومت اسلامی، همه قوانین باید محترم و همه افراد می‌باید مواظب باشند تا تخلف از قانون نکنند.

امام راحل همواره همگان را بر اجرای صحیح وظایف قانونی خود توصیه می‌کردند تا نظام اسلامی به رشد مطلوب خود برسد و از هر گونه هرچ‌ومرچ، تداخل وظایف در یکدیگر و ظلم، کاسته شود.



FARHANGNEWS.IR

زندگی نامه شهید رجایی

- ۱۳۱۶ فوت پدر و تحت تکفل مادر
- ۱۳۱۸ آغاز تحصیلات ابتدایی در قزوین
- ۱۳۲۵ آغاز خدمت در نیروی هوایی
- ۱۳۳۲ فارغ التحصیل شبانه دوره متوسطه
- ۱۳۳۵ ورود به دانش سرای عالی
- ۱۳۳۸ اخذ مدرک لیسانس در رشته ریاضی و استخدام در وزارت فرهنگ به عنوان دبیر ریاضی
- ۱۳۴۰ عضویت در نهضت آزادی و دستگیری وی به مدت ۵۰ روز
- ۱۳۵۳ دستگیری و زندانی شدن به مدت چهار سال
- ۱۳۵۵ فعالیت های آموزشی مخفیانه با همکاری شهید دکتر باهنر برای تربیت و پرورش نیروهای مقاومت
- ۱۳۵۵ آزادی از زندان و ورود به مبارزات سیاسی و فرهنگی و تأسیس انجمن اسلامی معلمان
- ۱۳۵۹ مسئولیت وزارت آموزش و پرورش، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی
- ۱۳۵۹ اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران
- ۱۳۶۰ ریاست جمهوری در پی عزل بنی صدر

قزوین





# سوتِ قوری

مصطفی سلیمانی

روان‌شناس ادیبربخش خانواده

ریشه‌ی تمام این تخلف‌ها را باید توی سیستم قانون‌گذاری کشورها پیدا کرد. سیستم پارلمانی و تبلیغات و انتخابات هم بی اثر نیست. همیشه این تلاش مردم برای رسیدن به صندلی پارلمانی و نمایندگی مردم من را متعجب کرده. می‌دانم علاقه و سلیقه انگیزه‌ی متفاوت ایجاد می‌کند. خوب، نباید همه را مثل هم دید. مثلاً همین غذا، هیچ دو آدمی غذای دلخواهشان مثل هم نیست. استاد دانش خانواده‌مان می‌گفت که اگر این اختلاف سلیقه در غذا نبود، زندگی یکنواخت و کسل‌کننده می‌شد. می‌گفت شکوفایی با پذیرش همین اختلاف نظرها بدست می‌آید. البته الان که همه عاشق فست‌فود شده‌اند. کلسترول این فست‌فودها چه کار که با قلب آدم نمی‌کند. برای قلب و چربی هم که پیش هر دکتری نمی‌شود رفت. هزینه‌ی ویزیت پزشک متخصص سر به فلک می‌کشد. با این درآمدهای کم. تازه کی فرصت دارد این همه توی نوبت مطب بنشینند؟ حالا ای کاش درمان این دکترها قطعی بود. هیچ تضمینی نیست. همین کم‌ر درد من. چقدر قرص خورده باشم خوب است؟ هر شب قبل از خواب باید سه تا بخورم. آن هم فقط با یک لیوان آب! دل‌م می‌خواهد چیزی بنوشم، ولی آشپزخانه پشت من در دورترین نقطه به من ایستاده است و می‌خندد. صدای قهقهه‌ی قوری و کتری را می‌شنوم. سوت می‌زند و شادی می‌کند. داخل حیاط آن طرف حوض گرد، گربه‌ای در حال خوردن آب است. از طرز نگاهش معلوم است که گوشه چشمی هم به ماهی‌های قرمز بی‌بی دارد. صدای مسخره قوری روی اعصابم می‌رود. گاهی سوت می‌زند، گاهی سرفه می‌کند، گاهی بی‌خود بی‌جهت می‌زند زیر خنده! اگر می‌توانستم رویم را برگردانم، بلد بودم ادبش کنم! چند تا قرص رنگارنگ توی حلقش می‌کردم تا دیگر الکی قهقهه نزند. البته هر کس باید خودش مراقب سلامتی‌اش باشد. بی‌خود که این همه نمی‌گویند پیشگیری بهتر از درمان است. جلوی همین اعتیاد را اگر بگیریم خیلی چیزها حل می‌شود. اعتیاد هم که فقط به یک چیز نیست. یکی را می‌بینی معتاد رفیق و رفیق‌بازی شده. ولی رفیق‌های خوب هم کم نیستند. همین علی خودمان. کم دستم را گرفته توی زندگی؟ حتی یک جاهایی که خودش لنگ بوده از کمک دریغ نکرد. گرچه جدیداً پروپروبه چشم‌هام زل می‌زند و می‌گوید اعتقادی به زندگی پس از مرگ ندارد و آن طرف کشک است. اولین بار بود که این قدر بی‌پرده، عقاید جدیدش را با من در میان می‌گذاشت. می‌خواستیم بگویم که حرفش بی‌منطق است و دارد آروغ روشن‌فکری می‌زند که بوی گاز خفه‌ام کرد! بالاخره قهقهه‌های قوری و کتری کار دست خودشان دادند و شعله گاز را با آن سوت‌های مزخرف‌شان خاموش کردند. سلام می‌دهم و نمازم را تمام می‌کنم.

آن قدر داغ کرده‌ام که انگار هفتاد درصد وجودم در آستانه تبخیر شدن است. از شدت گرمای ظهر پشت پلک‌هام می‌سوزد. تا می‌رسم خانه، کیف سامسونتم را می‌اندازم روی بالش شکلاتی‌ام. می‌خوام لباس‌هام را عوض کنم، ولی نای تکان خوردن ندارم. احساس نابودی می‌کنم، مثل آدم‌برفی‌ایی که اسیر تابستان شده باشد. می‌خواهم ولو شوم که صدای حاج حسین، همسایه‌مان را می‌شنوم. ول کن نیست. صدای پُر جوهری دارد که هفت تا محله را بی‌تاب می‌کند و همه می‌دانند که الآن وقتش است. بی‌اختیار از جا کنده می‌شوم. طوری که انگار برق سه‌فاز بهم وصل کرده باشند. اگر کنترل حنجره‌ام را داشتیم، داد می‌زدم که: «حاج حسین مفهوم شد، همه شنیدند؛ تمامش کن!»

خودم را حسابی می‌خارانم؛ به حدی که هر کس نداند، فکر می‌کند چند ماهی حمام نرفته‌ام. دستم همه‌جا کار می‌کند. از خاراندن جوش‌های ریز سرم گرفته تا موهای دستم و ریش و سبیل.

اینکه با شنیدن صدای حاج حسین تمام برنامه‌هایم را تعطیل می‌کنم، به خاطر توصیه خدایم از شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی است. اومی گوید هر قفلی در زندگی ات داشته باشی، با این کلید باز می‌شود. پدر می‌گوید می‌ارزد به خاطرش همه کارهات را تعطیل کنی، وگرنه خیانت کرده‌ای. تشنه و گرسنه بودنم را تعطیل می‌کنم و می‌روم به سمت دستشویی. نگاهی به آینه می‌اندازم و سلام بلندی به خودم می‌دهم. هر روز این موقع جلوی آینه تمام قدی کنار دستشویی صاف می‌ایستم و با خودم خوش و بشی می‌کنم.

صورت‌م را خشک می‌کنم. دست‌هام از کنار گوش‌هام آهسته پایین می‌آیند و صاف می‌ایستم. نگاهم می‌افتد به ساعت دیواری کنار تاقچه که سعی می‌کرد به زور تیک تاک‌هاش ساعت را از دوازده و ربع به بیست دقیقه برساند.

نگاهم می‌افتد به رحل چوبی روی زمین؛ به تذهیب‌ها و تزیین‌های زیبای روی جلد قرآن کنار پنجره؛ از این نقش‌های گل‌مرغی. پرنده‌اش انگار واقعی است. الآن است که صدایش در بیاید و به سمتم پرواز کند. مثل پرنده‌ی سخنگویی که حسن آقای بنگاهی دارد. به نظر عجیب‌ترین پیرمرد شهر است. وقتی با من حرف می‌زند، طوری از سیگارش کام می‌گیرد که انگار مخاطبش سیگار است نه من! مغازه‌اش دو تا کوچه بالاتر است. کوچه‌مان یک‌طرفه است اما بیشتر از اتوبان‌های چهارباند رفت‌وآمد دارد. همیشه ترافیک است. از سمتی که ممنوع است هم ماشین می‌آید. اصلاً این روزها کی به قانون عمل می‌کند؟ حریمی نمانده. کافی است راه بیفتی توی خیابان و آدم‌ها را نگاه کنی. هیچ کس حواسش نیست چه کار می‌کند.





جواد طالبی:

## عزت نفس، زندگی را شادتر می کند

در گفت و گوی پیش رو، حجت الاسلام والمسلمین جواد طالبی، کارشناس ارشد زن و خانواده، فعال اجتماعی و پژوهشگر مسائل زنان و خانواده، با ذکر برخی توضیحات و ابعاد مختلف موضوع، به بیان دقیق مسأله «چالش های روزمره و تأثیر آن در عزت نفس» و تشریح نکات مبهم آن پرداخته است.

جوانب زندگی می کند و بانویی که ارزش خودش را می داند، از طرف مقابلش توقع دارد که به او احترام بگذارد. چنانچه مرد به زن احترام بگذارد، بسیاری از مشکلاتی که روابط را به نابودی می کشاند، مجال خودنمایی پیدا نمی کند. در این حالت مرد با احترام و مهربانی با زن رفتار می کند، به رابطه شان وفادار می ماند، بیشتر و بهتر با نامزدش ارتباط برقرار می کند و مهر و محبتش را به او نشان می دهد.

اعتماد به نفس یک زن باعث می شود که مرد برای بهبود رابطه شان پیشقدم شود؛ زنی که ارزش خودش را می داند، بی ملاحظگی ها و بی ادبی های یک پسر خام و بی تجربه را تحمل نمی کند. او وقتش را با ارزش تر از آن می داند که آن را برای بازی های بچگانه تلف کند و او همه ای ندارد که بد رفتاری های مرد را به او گوشزد کند. وقت آن رسیده است که یک ملکه باشید، چون واقعاً یک ملکه هستید. مطمئن باشید مردی که شایستگی شما را داشته باشید، با شما مانند ملکه ها رفتار خواهد کرد.

زنان با اعتماد به نفس حد و مرزهای سالمی را تعریف می کنند و اجازه نمی دهند که دیگران از آنها سوءاستفاده کنند. بانویی که به خودش اطمینان دارد، برای نیازهای عاطفی خود اولویت قائل می شود و احساس گناه یا فشار شوهرش او را اوار نمی کند که کاری را انجام دهد که دوست ندارد. عزت نفس و اعتماد به نفس بالای یک زن باعث می شود که نیازهای همسرش را مقدم بر خواسته های خود نداند. زنی که خودش را باور ندارد، غالباً احساسات واقعی خود را با دلخوری سرکوب می کنند. اما این احساسات سرکوب شده در نهایت به سطح می آید و ناگهان مانند آتش فشان فوران می کند.

بانوانی که خودش را باور دارند، از عشقشان کینه به دل نمی گیرند. اگر شوهرتان به اشتباهش اعتراف کرد یا برای آشتی و مذاکره آماده بود، بهتر است به او فرصت بدهید و از خطاهایش بگذرید. اما اگر خودتان را در خشم و احساسات منفی غرق کنید، انرژی تان تحلیل می رود و دیگر هیچ لذتی از این رابطه نخواهید برد. اشخاصی که خواهان رابطه سالم هستند، به دنبال امتیاز گرفتن از طرف مقابلشان نیستند. خشم و نفرت مانند آتش زیر خاکستر می ماند که روزی با شدت شعله ور خواهد شد و رابطه را به آتش خواهد کشید.

**عزت نفس در زنان چه جایگاهی دارد؟**  
عزت نفس به زنان کمک می کند تا مشخص کنند که چه کسی هستند، چه می خواهند و چه لیاقتی دارند. همچنین باعث می شود تا خود واقعی شان را بشناسند و حتی اگر همه چیز خوب پیش نرفت با شجاعت به راه خود ادامه دهند.

بالا بردن عزت نفس در زنان مهم است، چون با داشتن آن ثبات بیشتری را تجربه می کنند. می توانند شرایط سخت را بهتر تحمل کنند. به سایر افراد کمتر نیاز پیدا می کنند. زندگی شادتری خواهند داشت. می توانند از چیزی که به آن اعتقاد دارند دفاع کنند یا درباره آن سخن بگویند. جرات این را دارند که اشتباهات یا محدودیت های خود را بپذیرند. نیاز نیست که همیشه کامل باشند. نگران شکست نیستند. خود را با دیگران مقایسه نمی کنند. ارزش خود را می دانند و می پذیرند که فرد بهتر از آن ها هم وجود دارد. خودش را به خاطر چیزی که هستند دوست دارند، نه به خاطر آنچه که ممکن است قادر به انجام آن نباشند.

**زنان فاقد حرمت نفس، چه احساساتی را تجربه می کنند؟**

بسیاری از مشکلات رفتاری و ذهنی از نداشتن حرمت نفس ناشی می شود. زنان فاقد حرمت نفس برای تصمیم گیری ها، دانش و تجربه خود اعتبار و ارزش زیادی قائل نیستند. آن ها دائماً خود را با دیگران مقایسه می کنند و نسبت به خودش احساس بدی دارند.

بالا بردن عزت نفس در زنان کیفیت زندگی آن ها را بهبود می بخشد. زنان دارای عزت نفس سالم نه تنها به دیگران اجازه نمی دهند که با آن ها بد رفتاری کنند، بلکه زندگی ای را که شایسته آن هستند ایجاد می کنند.

**زنان در مقابل مردان، برای یک رابطه عاطفی موفق، به چه اموری باید توجه کنند؟**

مهم ترین کاری که یک بانوی با اعتماد به نفس باید در رابطه های عاشقانه انجام دهد، این است که قدر و ارزش خودش را بداند. اگر خودتان را دست کم بگیرید، مرد مقابل تان متوجه ضعف و عدم اعتماد به نفس شما خواهد شد. برای این که ارزش خودتان را بدانید، باید نیمه پر لیوان را ببینید. عزت نفس داشتن کمک موثری به پیشرفت در تمامی

**کمبود عزت نفس در زندگی به چه میزان زندگی افراد را تحت الشعاع قرار می دهد؟ توصیه شما چیست؟**

اثرات کمبود عزت نفس در زندگی فرد می تواند تمام جنبه های زندگی او را تحت تاثیر قرار دهد. افکار و احساسات افراد در مورد خودش بر اساس تجربیات روزمره تا حدودی در نوسان است. عزت نفس در طول زندگی روزمره با کسب مهارت ها و نحوه رویارویی با آن، می تواند بهبود یابد یا سیر نزولی در پیش گیرد. احساس درماندگی و ناکارآمدی از اثرات کمبود عزت نفس در زندگی فرد است.

نمره ای که در یک امتحان می گیرید، نحوه برخورد دوستان تان، فراز و نشیب در یک رابطه عاشقانه، ارتقاء یا نزول رتبه شغلی، همه این عوامل می توانند تاثیر موقتی در احساس شما نسبت به خودتان داشته باشند.

اثرات کمبود عزت نفس در زندگی از همان دوران کودکی می توانند آینده فرد را تحت تاثیر قرار دهند. در واقع فرد ممکن است به دلیل تجربیات بد دوران کودکی مانند مورد انتقاد قرار گرفتن، استفاده جنسی جسمی یا عاطفی نادیده گرفته شدن، مورد تمسخر و تحقیر قرار گرفتن نتواند در بزرگسالی احساس بد را نسبت به خود از بین ببرد.

توصیه ام این است که این افراد قبل از حاد شدن شرایط و بیشتر شدن اثرات کمبود عزت نفس در زندگی خود باید به یک مشاور یا روانشناس مراجعه نمایند.

**با توجه به مطالعات و دغدغه تان که مسائل زنان است، بفرمایید زانی که عزت نفس پایینی دارند در روابط عاطفی شان چگونه رفتار می کنند؟**

هیچ چیز به اندازه کمبود عزت نفس نمی تواند در توانایی برقراری یک رابطه سالم تداخل ایجاد کند. اگر خودتان باور نداشته باشید که به اندازه کافی خوب هستید، چطور انتظار دارید که فرد دیگری شما را به عنوان شریک زندگی خود انتخاب کند؟ عزت نفس پایین باعث می شود که بارها رابطه خود را محک بزنید یا آن را کاملاً خراب کنید. حتی این احتمال وجود دارد که زندگی با شریکی را انتخاب کنید که در آن، مطابق با باورهای اشتباهی که نسبت به خودتان دارید، با شما برخورد می شود.

# در معرض چالش‌های اجتماعی

محمد سهیلی راد  
(کارشناس ارشد روان‌شناسی)

شده‌اند تا توسری بخورند یا فریاد بدرفتاری از سوی دیگر سر می‌دهند و از این بابت احساس درماندگی و عدم عزت نفس می‌کنند. در روابط نزدیک، این امر حتی مسئله مهم‌تری می‌شود، چون مردم مجبورند شیوه‌های متقابل رضایت‌بخشی را برای کنار آمدن باهم بیابند.

## ۴. ریاکاری

در این نوع مذاکره با دیگران، به نظر می‌رسد که میزانی ریاکاری در رابطه، خصوصاً در زندگی همگانی رخنه می‌کند. صداقت برای روابط نزدیک و صمیمانه ضروری است، چون بدون آن هیچ اعتمادی به وجود نمی‌آید. اما آن‌هایی که سعی دارند در تمام تعاملات‌شان به شیوه‌ای صادقانه زندگی کنند، ممکن است از دیگرانی که دروغ می‌گویند، بدتر به نظر برسند. این باعث سؤالات اخلاقی حقیقی می‌شود؛ یادگیری حسن نیت، بدون اینکه روراست باشیم یا بدون اینکه خودمان را در برابر حملات دیگران آسیب‌پذیر سازیم، کاملاً یک هنر است. اگر کمی دروغ مصلحتی در مورد امور بی‌اهمیت بگوئیم، در این صورت نمی‌توانیم بفهمیم که چگونه به خودمان احترام بگذاریم؛ مثلاً وقتی که به خاطر صلح و آرامش وانمود به دوست داشتن کسانی کنیم که واقعاً دوستشان نداریم. به ندرت اتفاق می‌افتد که در مذاکره با دیگران کمی سوءنیت یا وانمود وجود نداشته باشد. آن‌هایی که می‌توانند بسیار مورد اعتماد به نظر برسند، تمایل به جذب اکثریت منابع دارند. نمایش‌های ریاکارانه از خود که باوقار اجرا می‌شود، بخشی از راهبردهای ارتباطی هستند که از نظر همه راحت و درست نیست. با این حال، اکثر دنیای مادی ما چنین الگوی تعاملی را رشد می‌دهد و همه ما مجبوریم با این الگو سرآشتی بیابیم و نگرش شخصی خودمان را تعیین کنیم. تأمل در مورد حقیقت و واقعیت به عنوان سنگ بنای تعاملات ما می‌تواند انتخاب سختی باشد، اما پایه محکمی برای ساختن فراهم می‌آورد. موفقیت‌های حاصل آمده از ریاکاری کوتاه‌مدت هستند و در طولانی مدت منجر به ناامیدی می‌شود، چون در نهایت چنین چیزهایی ما را از دیگران و خودمان بیگانه می‌کند.

با من خطرناک باشد. تجربه عدم شباهت باعث اضطراب می‌شود، چون مانعی به وجود می‌آورد. وقتی ناگهان درمی‌یابیم که متمایز از دیگران هستیم، امکان ندارد که احساس اضطراب نکنیم و بنابراین برجسته می‌شویم؛ تنها. این تجربه متفاوت بودن اجتناب‌ناپذیر است و برای مطالبه فردیت خودمان ضرورت دارد.

## ۲. اختلاف و عدم توافق

وقتی تفاوت منجر به تعارض می‌شود، چنین مشکلاتی با دیگران می‌تواند تمام وجودمان را ضایع و خراب کند. به نظر می‌رسد بعضی مردم در کنار آمدن با موجودات انسانی هم‌نوع دائماً مستعد مشکل هستند، از دست آن‌ها احساس عصبانیت می‌کنند و پا روی دم آنها می‌گذارند. آن‌هایی که برچسب اختلال شخصیت مرزی یا اختلال خودشیفته یا ضداجتماعی خورده‌اند، ممکن است در نهایت زمان زیادی را صرف اختلاف با اطرافیان کنند. مشکلات آن‌ها باید در چارچوب شیوه‌های متفاوت ادراک و تعامل‌شان با جهان درک شود، تا بتوانند دوباره ارتباط برقرار کنند و مأمون و لنگرگاه امنی بیابند. آن‌ها ممکن است نیاز به آموختن «چگونه احترام گذاشتن به دیگران و اجتناب از تعارض آشکار» داشته باشند.

## ۳. تسلط

در روابط انسانی، مخالفت با چالش‌های تسلط و اطاعت، کار سختی است. برای بعضی از ما آنقدر سخت است که کلاً از دیگران کناره می‌گیریم. همه ما کسانی را می‌شناسیم که به طرق مختلفی سعی در تحکم بر ما، کلک زدن ما، سوءاستفاده از ما و تسلط بر ما دارند. بعضی از ما در به دست آوردن چیزهایی که می‌خواهیم، مهارت داریم و بعضی از ما این‌گونه نیستیم. تسلط واقعاً در مورد قلمرو است. ما از قلمرومان دفاع می‌کنیم یا دیگران را از آن دور می‌کنیم. اما بعضی‌ها فراتر می‌روند و به هزینه دیگران سعی در گسترش قلمروشان دارند. موضوعات حول تسلط متداول هستند. به همین خاطر اکثریت زندگی آشفته‌کننده است. اما واقعیت این است که مجبوریم یاد بگیریم باهم کنار بیابیم. بسیاری از افراد احساس می‌کنند که مخصوص انتخاب

برای مؤثر ساختن زندگی و کسب عزت نفس، بودن با دیگران به شیوه‌ای درست، از اهمیت شگرفی برخوردار است. میزانی که بتوانیم به شیوه‌ای درست با دیگران ارتباط برقرار کنیم، تعیین‌کننده میزان بهره‌مندی ما از زندگی و عزت نفس است. تعداد زیادی از عناصر روابط اجتماعی وجود دارند که می‌توانند مشکل‌ساز شوند؛ و مشکلات پیش‌بینی‌پذیر بسیاری وجود دارد که مجبوریم مقابله با آن‌ها را یاد بگیریم.

## ۱. تفاوت

به رغم شرایط انسانی مشترکی که داریم، دیر یا زود در خواهیم یافت که از بعضی لحاظ متفاوت از دیگران هستیم. اگر این تفاوت به عنوان نوعی خاص بودن یا برتری تجربه شود، ممکن است به تفاوت‌مان فخر بفروشیم، اما بسیاری از ما تفاوت‌هایمان را به عنوان مسأله‌ای منفی و فرومایه تجربه می‌کنیم و باعث می‌شود که احساس تبعیض کنیم. ممکن است از گروهی که می‌خواهیم بدان تعلق داشته باشیم، احساس طرد شدن کنیم یا ممکن است مورد قدری و تمسخر قرار بگیریم و احساس بی‌ارزشی کنیم. چنین حس حقارت شخصی یا طرد، هر نوع حسی برای داشتن حق بودن را در ما تضعیف می‌کند. هنوز، از فضای روزگار تفاوت بخش مهمی از شخص شدن ماست. همه ما اساساً و از بعضی جهات متفاوت از هر شخص دیگری هستیم. ما مجبوریم یاد بگیریم که با تفاوت‌هایمان زندگی کنیم، به طریقی که نه برای دیگران آزارنده و نه برای خودمان مخرب باشد.

مردم نیاز دارند بدانند که به گروه اطراف خودشان تعلق دارند و مورد احترام آن‌ها هستند. همه ما به حس مناسبت با موجودات انسانی هم‌نوع‌مان نیاز داریم. یکی از چالش‌های یافتن جایگاه خودمان در جهان، خلق فاصله مناسب در ارتباط با دیگران است، نه شدیداً دور و نه شدیداً نزدیک باشیم. بعضی از مردم بیشتر از چیزی که واقعاً هستند، وانمود به متفاوت بودن از دیگران می‌کنند. تفاوت در این معنا، می‌تواند شیوه‌ای برای گفتن این عبارت باشد: از من دور باش، من مثل تو نیستم و ممکن است آشنا شدن

# در معرض چالش‌های جسمانی

مریپ‌نقی‌لو

(کارشناس مدیریت خانواده)

مشکلات جزء جداناپذیر و بخشی از زندگی روزمره همه ما هستند. در گذشته نه چندان دور، مشکلاتی که مردم را به جستجوی کمک تخصصی سوق می‌داده، معمولاً به عنوان آسیب و به عنوان گواهی بر ضعف درونی ذاتی آن‌ها مورد ملاحظه قرار می‌گرفته است. مدت‌ها بعد این نگاه به چالش کشیده شد و فهمیده شد که همه ما وقتی پا به کره خاکی گذاشتیم، بالاجبار با دامنه‌ای از موانع و خطرات در روال روزمره روبرو هستیم. البته بعضی از مردم قوی‌تر از دیگران هستند و شکی نیست که بعضی از ما هنگام گیر کردن در سردرگمی یا ناامیدی، آسیب‌پذیرتر از دیگران هستیم. تعداد کمی از مادر برابر تمام چالش‌های زندگی تردست و ماهر هستند. همه ما گهگاهی با مشکلات و مصائب بی‌نظیر و خاصی روبرو می‌شویم که نیاز به مهارت‌های خاص و ایستادگی فوق‌العاده‌ای برای گلاویز شدن با آن‌ها داریم. بعضی رخدادها چنان ما را ناامید و برآشفته می‌سازند که ناگهان احساس عدم تعادل و عدم عزت نفس می‌کنیم.

با این نگاه، باید محدودیت‌ها و مشکلات پیش‌بینی‌پذیر در زیست‌انسانی را شناسایی کرد و همچنین برای درک رخداد‌های فاجعه‌بار زندگی که بنیان و شالوده زندگی و عزت نفس فرد را می‌لرزاند، مهارت و توجهی را ایجاد کرد که قوه تشخیص فرد رشد کند.

در این یادداشت، بعضی از فقدان‌های معمول و کمبودهایی که از لحاظ جسمانی، انسان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، به طور مختصر شرح داده می‌شود.

## بُعد جسمانی یکی از ابعاد وجودی انسان

بعد جسمانی عامل اصلی وجود انسانی و بعد از روابط ما با جهان مادی است، جایی که در آن با جهان اشیاء و امور فیزیکی تعامل برقرار می‌کنیم. اول از همه، بدن‌های ما و تجارب حسی آن است که ابزاری برای تعامل در این بعد برای مان فراهم می‌آورد. در سطح فیزیکی، با چالش‌های زیادی مواجه می‌شویم که می‌تواند بهزیستی و سلامت ما را ضایع و خراب کنند. فقط نگاه کوتاهی بیاندازید: بعضی از ماها از سنین اولیه با کمبودها و شکست‌هایی در زندگی روبرو می‌شویم. همه ما باید با نقص‌ها و ناکمالی‌های بعدی روبرو شویم. بیماری دیر یا زود گردن گیر همه ما می‌شود و همه ما محکوم به کنترل تمایلات مان هستیم؛ نه همیشه یک کار آسان. وابستگی نقطه آغاز همه موجودات انسانی است و یاد می‌گیریم که در زندگی آتی مستقل باشیم و وابستگی متقابل داشته

باشیم. سرانجام، همه ما با تهدید مرگ روبرو می‌شویم و مرگ ما تنها پیامد ممکن وجود جسمانی ماست. جزئیات بیشتری در این مورد وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. کمبود

تجربه کمبودهای جسمانی ضروری است. ما به عنوان کودکی خُرد همیشه احساس کمبود می‌کنیم، اما این بدان معنا نیست که نمی‌توانیم بر کمبودمان غلبه کنیم. شکی نیست که بعضی افراد با کمبودهای شدیدی به جهان وارد می‌شوند، مثل بدشکلی‌های جسمی که آن‌ها را به عنوان افراد متفاوت متمایز می‌کند. آموختن پذیرفتن مسئولیت شیوه‌های خاص وجود جسمانی، در مساعده‌ترین شرایط چالشی اساسی است. افراد تمایل به یافتن کمبودهایی دارند که رویارویی با آن‌ها سخت‌تر است، چون خودشان را به صورت ناهمخوان و ناسازگار با دیگران ادراک می‌کنند. کمبود ممکن است مطلقاً جسمانی باشد، مثل شخصی که با یک مشکل قلبی یا نوعی بدشکلی عمده در صورت یا بدن، همچون لب‌شکری یا صورت سرخ تیره متولد شده است. کمبود ممکن است بعدها در زندگی به واسطه بیماری، تصادف، غفلت، سوء‌آزار، یا پا به سن گذاشتن حاصل شود و سپس پیامدهای بسیار تأثیرگذاری برای بقاء واقعی فرد و حس امنیت بنیادی وی داشته باشد.

نمونه‌های زیادی وجود دارند که یاد می‌گیرند کمبودها را بیپوشانند و تبدیل به فرصت کنند و آن‌ها را به عنوان بخشی از فردیت خودشان تحسین کنند. همه ما عاشق دیدن افرادی هستیم که به مشکلات جسمی‌شان فائق آمده‌اند. چنین افرادی الهام‌بخش مامی‌شوند.

### ۲. بیماری

فراتر از نقص و کمبود، تجربه بیماری، درد و رنج همراه با آن قرار دارد. یقیناً تنها در بیماری‌های کشنده نیست که بیماری منجر به چالش می‌شود، بلکه بیماری‌های روانی که تجربه کاملاً متفاوتی است، احساس ناتوانی در تفکر و رفتار بهنجار ایجاد می‌کند و باعث ناتوانی در جسم می‌شود. بسیاری از فیلسوفان وجودی گفته‌اند، محدودیت‌هایی که ما در وجودمان کشف می‌کنیم، می‌تواند چاقویی برای تجربیات مان فراهم کنند و بنابراین، این محدودیت‌ها به جای اینکه زندگی ما را به زوال بکشانند، می‌توانند این تجربیات را عمیق‌تر کنند. در واقع محدودیت‌های جدید منجر

به مکاشفه و فهم می‌شود. این کشمکش ارزشمند است، چون هر محدودیتی کشف بالقوه‌ای از یک بعد جدید زندگی است.

### ۳. وابستگی

با کمی تبعیت بیشتر از روند میل، به وابستگی می‌رسیم. ما به آنچه بدان میل و نیاز داریم، وابسته می‌شویم. کودک به والد وابسته است و تدریجاً مستقل بودن را یاد می‌گیرد. اما استقلال ما همیشه متناسب با نیازمان به دیگران است و بنابراین، مجبوریم مستقل بودن را یاد بگیریم؛ بده بستان داشته باشیم، نیاز داشته باشیم و به ما نیاز داشته باشند. هیچی یافقدان در مرکز موجودیت انسانی ما، باعث می‌شود که نه تنها دست به سوی دیگران دراز کنیم، بلکه همچنین دست به سوی چیزهایی که بدان‌ها وابسته شده‌ایم، دراز کنیم. بسیاری از مردم برده اشیاء یا دیگران می‌شوند. هیچ شکی نیست که مدیریت ظرفیت خودمختاری جسمانی برای بقا ضروری است. ممکن است این ظرفیت را به طرق مختلفی از دست بدهیم و وقتی چنین کاری کردیم، نیاز به برداشتن گام‌های کوچک به سمت کمی خودبستگی داریم.

### ۴. مرگ

اگر هشیاری ما بابت آغاز می‌شود، بابت پایان نیز به اتمام می‌رسد. مرگ کابوس اجتناب‌ناپذیر زندگی ما است؛ مرز وجود ماست و تعیین‌کننده محدوده‌های مرز چارچوبی است که در درون آن عمل می‌کنیم. ترس از مرگ، یکی از برانگیزان‌های اصلی در مشکلات هیجانی است. مواجهه با پایان احتمالات آزارمان می‌دهد. مرگ زمانی است که هر چیزی که بوده‌ایم، ناگهان به نبودنمان مبدل می‌شود و هیچ کدام از ما در نهایت نمی‌توانیم از این لحظه اجتناب کنیم. مرگ تنها چیزی است که در زندگی از آن اطمینان داریم. به سراغ همه ما می‌آید. با توجه به حقیقت مسلم تولد، ما محکوم به مردن هستیم. همه ما به سوی پایان که خدای مهربان باشد، به پیش می‌رویم. بسیاری از اوقات زندگی را در اختفا از این قطعیت به سر می‌بریم. تا اینکه آگاهی از واقعیت فناپذیری، صادقانه و کاملاً سرزنده بودن را بر ایمان دشوار می‌کند. روبرویی با واقعیت مرگ، منجر به نوعی پذیرش ناکمالی‌های اجتناب‌ناپذیرمان می‌شود. ما همیشه و نه الان آنچه هستیم که می‌توانیم باشیم. تنها در مرگ است که زندگی ما کامل می‌شود و به نقطه اوج خود می‌رسد. ما تا زمان مرگ ناکامل هستیم و هنوز توانایی کمال داریم.



### حاکم مردم یا خدمتگزار مردم؟!

«شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید... اگر همه شماها خدمتگزار، خودتان را حساب بکنید، نخواهید که هی به شما مدح بگویند و ثنا کنند و- نمی دانم- فریاد بکشند و با هم دعوا بکنید، اگر این چیزها را کنار بگذارید و خودتان با هم تفاهم کنید و دوستی داشته باشید، این برای ملت چه لذتی دارد! آنکه دیده است بچه‌هایش از بین رفته، حالا این حکومتی پیش آمده است که همه‌شان با هم برادرند و همه‌اش کوشش می‌کنند که برای مردم يك کاری بکنند، تا توان دارند برای مردم می‌خواهند کار بکنند.»  
(صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۳)

### در مسائل انقلابی از افراط و تفریط دوری کنید!

«از حیث افراط و تفریط، باید انسان اجتناب کند از طرف و هر کس که در آن رژیم وارد بوده، ما بگوییم که اینها همه‌شان فساد بودند. در بین این افراد، افرادی بودند که در آن وقت، خون جگر می‌خوردند، لکن الزام داشتند به بعضی کارها. البته اگر جنایاتی از آنها صادر شده باشد، آن وقت آن مسئله دیگری است. اما مجرد اینکه این آدم در آن وقت در وزارتخانه بوده، در اداره بوده یا- فرض کنید- در آن حزب فاسد «رستاخیز» بوده، مجرد این را نباید شما میزان قرار بدهید.»  
(صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۷۵)

### انتقاد صحیح، پرهیز از انتقامجویی است!

«به همه آقایان من می‌گویم با هم جنگ نکنید... انتقاد غیر انتقامجویی است. انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می‌تواند انتقاد صحیح بکند. اما اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقامجویی، این همان قلم شیطان است.»  
(صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۵)

### صرف این که طرف در رژیم سابق کار می‌کرده، نباید پاکسازی شود!

«اگر- خدای نخواست- شما يك بی‌گناهی یا يك آدم خدمتگزاری که در آن رژیم هم می‌خواستند خدمت به اسلام بکنند، خدمت به ایران بکنند، شما يك وقت کنارش بگذارید به مجرد اینکه وارد در حزب است یا وارد در وزارتخانه است، این يك امری است که صحیح نیست و برای شما صالح نیست. پس ما باید نه از آن طرف، هر کس اظهار کرد که من- مثلاً- آدم صالحی هستم، حزب الله هستم و چه، ابقا کنیم، نه از این طرف، هر کس در رژیم سابق يك کاری انجام داده است، داخل در يك اداره‌ای بوده است، داخل در يك وزارتخانه‌ای بوده، شما بخواهید پاکسازی کنید؛ این هم درست نیست.»  
(صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۷۶)

### این ریاست‌ها و مدیریت‌ها گذری است!

«شما هر چه هم بخواهید [ریاست] بکنید، از محمدرضای نمی‌توانید بالاتر بروید. هر چه هم دست و پا بکنید آن را، آنها را پیدا نمی‌کنید و ان شاء الله، پیدا نخواهید کرد و نخواهید که بخواهید. اورفت، تمام شد؛ حالا پیش خداست. چه خواهد شد، خدا می‌داند. ما هم این روز را داریم. ما هم فردا، یکی مثل من دیرتر و زودتر، و آن هم که معلوم نیست که کی زودتر.»  
(صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۵)

### اگر مردم نخواهند، من هم باید کنار بروم!

«راهی که من انتخاب کرده‌ام راهی است که مردم خواهان آن می‌باشند. و اگر من هم مثل دولتی‌ها حرف بزنم مردم مرا هم طرد خواهند نمود.»  
(صحیفه امام، ج ۱، ص ۷۷)

### هدف ما؛ برقراری عدالت اسلامی و قانون است!

«ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم. اسلامی که راضی نمی‌شود حتی به يك زن یهودی که در پناه اسلام است تعدی بشود.»  
(صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۲۴)

محمد رجائی نژاد



# تفسیر بی‌نهایت